

پاکت خودش را از دستخانه بگیرد آیا بعد از الصاق
تمبر و بان ترتیبات بغیر از الصاق تمبر
گمان میکنم اگر بعد از تمبر زدن و ترتیبات دستخانه
باشد صحیح باشد بجهت اینکه يك حق ازدولت
تلف شده است و آن تمبرها باطل شده است پس
این را باید همین کرد که قبل از تمبر زدن حق دارد
پس بگیرد یا بعد یا باید گفت بعد از تمبر زدن حق
ندارد آن پولی را که داده است پس بگیرد و باید
حقوق دولت را بدهد.

آقا سید حسن مدرس - فرمایشی که آقا
فرمودند از جهت پول تمبر ممکن است که پول تمبرش
را دیگر پس ندهند لکن خود آن شیئی را میتواند
بگیرد بدست او مده بدست دیگری بدهد.

رئیس - دیگر مخالفی نیست ماده ۱۴ قرائت
می شود.
ماده ۱۴ - امتیاز انحصار و طبع و فروش تمبر
پست و سایر علامات راجعه به حقوق پستی با وزارت
پست است.

ارباب کیخسرو - چون این تمبر پستی خودش
یکی از شعبه های مالیه دولت است اینجا باید فید
شود با اطلاع وزارت مالیه این را نمیشود منحصر
کرد بوزارت پست.

رئیس - پیشنهاد بکنید بفرستیم بکمیسیون
ماده ۱۵ - اسرار مندرجات در مکتوبات و
مراسلاتی که بیستخانه سیرده میشود مستور و مکتوم
است باین معنی که افتتاح کلبه اشیاائی که بیستخانه
سیرده میشود با استثنای موقعی که در فصل یازدهم
تصریح شده دانکشاف مندرجات مراسلات بهر وسیله
که باشد و اطلاع شخص ثالثی از مرابطات اشخاص
بمن یکدیگر ممنوع است.

فهییم الملک - اینجا اغلب مذاکرات راجع
به الفاظ است مستور و مکتوم مقصود این است
که از کشف مصون خواهد بود پس بهتر است
که همان (مصون از کشف خواهد بود) نوشته شود.

افتخار الواعظین - ماده ۱۵ راجع بوزارت
کمیسیون خوانده بشود.
رئیس - ماده ۱۵ را کمیسیون همیناً تصویب
کرده است.

افتخار الواعظین - بله فقط لفظ افتتاح را
تبدیل به باز کردن کرده است.

رئیس - باب دوم ماده ۱۶ راجع بشهره و
شرایط حمل و نقل.

ماده ۱۶ - حقوق پستی یا کتبه ای متعارفه که
در زمان ارسال پول پست آن اداه شود و از داخله
مملکت بداخله مملکت ارسال گردد و در صورتی
که بیش از دو متقال وزن نداشته باشد شش شاهی
است و برای هر متقال یا کسر متقال مقالی سه شاهی
بر آن افزوده میشود و حقوق پستی یا کتبه ای که
در يك محل تحویل و توزیع میشود ممکن است توسط
اداره پست تخفیف داده شود.

دکتر حاج رضاخان - بنده شش شاهی
را برای دو متقال سه شاهی را برای کسر متقال

هر دو را زیاد میدانم برای اینکه این میزان مدت
مدیدی است که معمول بوده است و حالاً موقع است
که تنزیل و تخفیفی باین بدهند بجهت اینکه عایدات
پست زیاد شده است و در هر جا که تخفیف داده
شده است عایداتش دوربار شده است اگر این را
هم تطبیق بکنیم با خارجه بهتر است در خارجه
معمول است می بینیم این مسئله باعث زیادتی عایدی
پست میشود بجهت اینکه اگر چهار شاهی باشد
مبادل خواهد شد با پست خارجه این است که بنده
پیشنهاد میکنم که بجای شش شاهی چهار شاهی و
بجای سه شاهی دوشاهی نوشته شود.

معاون وزارت پست - چون این فصل فصل
اول تعرفه است و تمام اصول متوجه میشود باین
لازم شد که بنده توضیح مفصل عرض کنم چون این
يك قسمتی است که حالیه دریافت میشود اما اینکه
آقایان نظر مینویسند داده بمالك خارجه گمان میکنم
که این را نشود نداد بمالك خارجه زیرا که ما
اینجا آنطور راه نداریم و گرایه که از پستهای
که بستیم گرایه را و این پولی که از پستها و
امانت میگیریم يك مبلغی هم دولت ضرر میکند و
اما اینکه فرمودند اگر کسوفت و تخفیفی بدهند
دخل اداره زیاد میشود این را تجربه کرده ایم
اینطور نبوده است زیرا بعضی از نقاط این مملکت
راههای پست دارد و مطالبی که میفرستند خیلی ضرور
و واجب است و اگر چنانچه واجب و لازم نباشد اینجا
اظهار نمیکردند و بواسطه نداشتن راه و پست راه و
گرایه فوق العاده که دولت میدهد آنچه را ملاحظه
کرده است می بینید که نمی تواند قیمت را کمتر
از این از پاکت و امانات دریافت بکند.

معاون پست - این ماده برای این است که
مردم رفاهیت داشته باشند و بتوانند کافذ خودشان را
بیست خانه بدهند و گمان می کنم که این اسباب
سهولت باشد بجهت اینکه آتشخس که کافذ مینویسد
چون صندوق پستی دائر میکنیم ممکن است که يك
شخصی دوستی دارد و احتمال دارد که وقتی که حرکت
بکند يك کافذی بدوست خودش بنویسد و آنطرف
هم کمال میل را دارد برای این است و انگهی آنچه
حالت اجباری نیست که بطور اجبار از او دریافت
نمایند زیرا که ممکن است پاکت را قبول نکنند
و این برای این است که اگر مردم در يك وقتی
بخواهند مطالب خودشان را بسرعت بفرستند
ممکن باشد.

ارباب کیخسرو - در ذیل این ماده ۱۶ نوشته
است بحقوق پستی یا کتبه ای که در يك محل تحویل
و توزیع می شود توسط اداره پست تخفیف داده
شود حقوق پستی چیز است که باید قانون مبین بکنند
چگونه میشود در يك چنین چیزی که کم و زیاد حقوق
است اختیار اداره پست داده شود بنده توضیح
میخواهم که بطور ممکن است این کم و زیاد کردن
حقوق را توسط اداره پست واگذار نمود.

معاون پست - این مطلب داخلی شهر ما چون هنوز
در تمام داخله شهرهای این مملکت دائر نشده است فقط
در داخله طهران تأسیس شده است اینکه نوشته شده

است این جا برای اینست که ما هنوز تسنجیده ایم چه
حقوقی می تواند دریافت شود و چه مخارجی را که
باید بکنیم محتمل بشود بملاوه ما خودمان یا کتبه ای
را که بداخله این شهر فرستاده می شود صدقینار
قرار دادیم و این زیاد است و اگر کمتر بکنیم بهتر
است و قتیکه ما در داخله نام شهرها این را دائر
کردیم و تسنجیدیم مخارجی که بر آن تعلق میگیرد
البته قیمت آن بعد از اینکه در تمام شهرها دائر شد
تخفیف می دهیم و قیمت آنرا پیشنهاد مجلس میکنیم
و از مجلس رأی میگیریم چه قانون خواهد شد.

رئیس - مذاکرات کافی است - پیشنهادی
عمده اش میزرا کرده قرائت میشود.
بنده پیشنهاد میکنم گیرنده مطالب میتواند پاکت
را قبول ننموده و این وجه را هم ندهد.
محمد هاشم میرزا - آقایانی که میفرمایند
و همچنین آقای معاون که این واضح است بنده نمی

فهم که از کجای ایشاده این واضح است هیچ نوشته
است آنطوری که آقای معاون فرمودند که اگر مبلغ
ندارد پاکت را قبول نکنند اگر مقصود این است که
فرمودند باید در اینجا افزوده شود که مطلب واضح
شود مقاصد ایشان درست است ولی این مطلب از این
بیرون نیاید باین جهت بنده پیشنهاد کردم که واضح
باشد.

رئیس - رأی میگیریم باصلاح عمده اش میرزا
آقایانی که موافقت قیام نمایند (با کثرت تصویب شد)
ماده ۱۸ - حقوق پستی کار پستگاهائی که از
داخله بداخله مملکت ارسال میشود دو شاهی است و
حقوق کار پستگاهی که ورقه مخصوص برای جواب بآن
حقن است ۴ شاهی
رئیس - مخالفی نیست
ارباب کیخسرو - این و او خوب است ورقه
پستی بنویسد لفظ کار پست را بردارند.
ماده ۱۹ - حقوق پستی جرایم و مجلات متناوبه
و کتب و اوراق صحافی شده و جلددار یا بی جلد و اوراق
خطاریه و اطلاعات و صورت نیت اشیا و کتبه مطبوعاتی
که از داخله بداخله ارسال میشود بدون ملاحظه عمده
اوراقی که در تحت يك لاف بسته شده است از قرار
هر ۱۰ مثقال یا کسر یا زده مثقال دوشاهی است وزن
هر بسته از ۴۰ مثقال نباید تجاوز نماید ولی - حقوق
پستی يك نمره روزنامه بکشاهی است و حقوق پستی
سایر مطبوعات هم که هر بسته اش بیش از ۱۵ مثقال
وزن نداشته باشد بکشاهی است کمیسیون عیناً تصویب
کرده بود - اضافه - ماده قانونی که راجع باجرت
پست جرایم در شهر ربیع الاول ۱۳۲۸ از مجلس
شورای ملی گذشته و تصویب شد.

حاج سید ابراهیم - بنده مخالف بااصل
مطلب نیست ولی عرض میکنم که اینجا عین ماده را که از
مجلس در باب تخفیف اجرت پست جرایم نگذشته است
باید بنویسیم و اینکه اینجا علیحده علیحده نوشته است
گمان این است که صحیح نیست و اشاره کنیم بیکجاده
گذشته است اعتقاد این است که در شورائی آن مواد
عیناً اینجا درج شود که درست مفهوم شود.
معاون پست - این مطلبی که اینجا نوشته است
مطابق است با همان قانونی که گذشته است.
ماده ۲۰ - جرایم و کتب و کتبه مطبوعاتی که
در پاکت سرباز ارسال میشود حقوق معینه در فصل
نوزدهم این قانون تعلق میگیرد ولی اختصاص این
قسم مرسولات بر این است که حقوق پستی آن از دو
شاهی کمتر نمیشود کتله های و بزی که بترتیب مذکور
ارسال میشود بهر خطی نوشته شود محل ایراد نیست
بشرط آنکه هیچ ورقه چاپی یا ششی دیگری به همراهی
آن ارسال نشود.

حاج سید ابراهیم - دو آن ماده پیش نوشته
شد که قیمت هر ورقه روزنامه بکشاهی است و اینجا
میگوید که در پاکت سرباز باشد دوشاهی و حال آنکه
روزنامه که در پاکت سرباز باشد و سرش تسنجیده باشد
چه فرق میکند با اینکه بدون پاکت که آنجا بکشاهی
و اینجا دوشاهی

لواء اوله - بنده در عبارات مخالفم اما قانون
از برای ایران وضع میکنیم این کوالفظ فصیحی نباشد
معاون پست - عرض میکنم مطالبی که در
جوف پاکت گذاشته میشود این را ناچارند که در اداره

میزی بنشیند لابد بکشاهی از برای اداره تعلق
میگیرد که اداره باید رسیدگی کند از این جهت تدری
علاوه تر خواهد بود و اگر روزنامه باشد هیچ قیمتش
فرق ندارد.
ماده ۲۱ - حقوق مخصوص معینه در فصل (۱۹)
بقرات ذیل تعلق نمیگیرد اولاً مطبوعاتی که قائم مقام
وجوه نقدینه باشند ثانیاً مطبوعاتی که مضامین آن حکم
مراسلات شخصی را داشته باشد و برای گیرنده بکسوم
اختصاصی را دارا باشد ثالثاً مطبوعاتی که دارای بعضی
علامت هستند که بتوسط آنها دو شخص مقاصد شخصی
خود را بیکدیگر اظهار مینمایند.
رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد).
ماده ۲۲ - حقوق پستی مستورجات تجارائی
که در زمان تحویل حقوقش پرداخته شود و میده و
مقصد آن در داخله مملکت باشد از قرار ده مثقال يك
بکسرده مثقال دوشاهی است ولی وزن مستورجات از
۷۵ مثقال نباید زیادت را باشد.

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)
ماده ۲۳ - حقوق معینه در فصل سابقه به مستورجاتی
تعلق میگیرد که دارای قیمت تجارائی نباشد و روی
خود مستوره بان و اوراق آن چیز دیگری جز اطلاعات
ذیل نوشته نشده باشد عنوان گیرنده اسم فرستنده
علامت کارخانه یا علامت مخصوص تاجر نمره قیمت و
اطلاعات راجعه بوزن و طول و عرض و حجم و
مقدار مال التجاره که نقداً از آن جنس حاضر است
و اطلاعات راجعه ببنده و جنس مال التجاره.

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)
ماده ۲۴ - حقوق متعلقه باوراق کار که در زمان
تحویل حقوق پستی ادا میشود و میده و مقصدش در
داخله مملکت است از قرار ده مثقال یا کسرده مثقال
سه شاهی است و وزن این قسم بسته ما از ۴۰ مثقال نباید
تجاوز کند اقل میزان حقوق پستی هر بسته اوراق کار
۹ شاهی است.
رئیس - مخالفی نیست ماده ۲۵ خوانده
می شود.
ماده ۲۶ - تعیین شرایط جنس و شکل و اندازه
کارتهای پستی بسته های جرایم و کتبه های جرایم
و سایر مطبوعات و مستورجات تجارائی با اداره پست
است اداره پست مجاز است که از حیث شرایط و تعرفه
کارتهای راهی که اشخاص مختلفه میسازند مثل کارتهای
پستی ملاحظه نمایند.
رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد).

حاج سید ابراهیم - بنده در عبارات مخالفم اما قانون
از برای ایران وضع میکنیم این کوالفظ فصیحی نباشد
معاون پست - عرض میکنم مطالبی که در
جوف پاکت گذاشته میشود این را ناچارند که در اداره

حاج سید ابراهیم - دو آن ماده پیش نوشته
شد که قیمت هر ورقه روزنامه بکشاهی است و اینجا
میگوید که در پاکت سرباز باشد دوشاهی و حال آنکه
روزنامه که در پاکت سرباز باشد و سرش تسنجیده باشد
چه فرق میکند با اینکه بدون پاکت که آنجا بکشاهی
و اینجا دوشاهی

لواء اوله - بنده در عبارات مخالفم اما قانون
از برای ایران وضع میکنیم این کوالفظ فصیحی نباشد
معاون پست - عرض میکنم مطالبی که در
جوف پاکت گذاشته میشود این را ناچارند که در اداره

در قابل توجه بودن آن رأی میگیریم (پیشنهاد مزبور
ببابت ذیل قرائت شد).
(بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۴ قانون پستی بقرار
ذیل نوشته شود) امتیاز انحصار طبع و فروش تمبر
پست و سایر علامات بحقوق پستی یا اداره پست به
تصویب و اطلاع وزارت مالیه است (کیخسرد)
رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن
این پیشنهاد.
افتخار الواعظین - کمیسیون قبول میکند
این اصلاح را.
رئیس - پس بکمیسیون فرستاده میشود.
رئیس - آقای آنا میرزا احمد راجع ببوده
اظهاری داشتند بنفرمائید.
آقای میرزا احمد - عرض بنده راجع ببوده
مملکتی است قریب دو ماه است که از اول حمل میکنند
و هنوز بوجه مملکتی به مجلس نیامده است و از
قراریکه مسیوق شده ام بوجه وزارت مالیه گویا قریب
چهار ماه است طبع هم شده است و نمی دانم جهت نیامدن
بمجلس چه جزایست یا اینکه آقایان در آمدن بوجه
خیلی امر ارادارند و سابقاً هم در این باب استیضاح
می کردند بنده هم موافق با آنها و حلاله استماع
میکند که سؤال کنند از وزارت مالیه که چرا تا بحال
بوجه مملکتی را نیآورده اند تا بکند کنند که زودتر
بخصوص بوجه مالیه را بمجلس بیآورند.
حاج عز الممالک - اجازه میفرمائید توضیح
بدهم.
رئیس - مخبر یا رئیس کمیسیون می تواند
توضیح بدهد.
حاج عز الممالک - بوجه های ممکن
در وزارت مرحوم صنیع الدوله بطور کلی به کمیسیون
بوجه آمدن بوجه بطوری بود که بشود در آن داخل
مذاکره شد و تقریباً دو ماه قبل بوجه وزارت دربار
بطور تفصیل به کمیسیون بوجه آمد و کمیسیون در
آن خصوص مذاکره کرده است و رأی خودش را کمالاً
ناده است و حاضر است که به مجلس بیاید بوجه
وزارت مالیه هم چون جزئیش آمده بود مدتی است
که در کمیسیون بوجه مطرح بوده و تقریباً يك ماه
قبل راجع با اداره مالیه تمام تصویب شده است و بوجه
مرکزی وزارت مالیه را آقای ممتاز الدوله چند
روزی است استرداد کرده اند که ملاحظت و
نظریات در تأسیس ادارات مرکزی بکنند در چند روز
قبل بکمیسیون بوجه اظهار کردند که چون مستخدمین
مالیه خواسته شده اند و متخصصین مالیه هستند
لازم است در باب ادارات مرکزی بکمیسیون
داخل مذاکره بشود تا ورود مستخدمین بطوریکه
آنها لازم می دانند ادارات مرکزیه مالیه تأسیس و
اداره بشود و همان طور بطور ماده پندی پیشنهاد
شود و کمیسیون رأی بدهد چون اگر همانطوری
که حالا پیشنهاد شده است در کمیسیون هست و رأی
بدهد و بموجب قانون محاسبات عمومی وزیر مالیه
حق نخواهد داشت که خرج يك ماده را به ماده دیگر
مصرف بکند اسباب اشکال خواهد شد کمیسیون بوجه
هم همانطور پذیرفت که راجع با ادارات مرکزی
مالیه مذاکراتی نشود تا اینکه مستخدمین مالیه بیایند

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)
ماده ۲۲ - حقوق پستی مستورجات تجارائی
که در زمان تحویل حقوقش پرداخته شود و میده و
مقصد آن در داخله مملکت باشد از قرار ده مثقال يك
بکسرده مثقال دوشاهی است ولی وزن مستورجات از
۷۵ مثقال نباید زیادت را باشد.

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)
ماده ۲۳ - حقوق معینه در فصل سابقه به مستورجاتی
تعلق میگیرد که دارای قیمت تجارائی نباشد و روی
خود مستوره بان و اوراق آن چیز دیگری جز اطلاعات
ذیل نوشته نشده باشد عنوان گیرنده اسم فرستنده
علامت کارخانه یا علامت مخصوص تاجر نمره قیمت و
اطلاعات راجعه بوزن و طول و عرض و حجم و
مقدار مال التجاره که نقداً از آن جنس حاضر است
و اطلاعات راجعه ببنده و جنس مال التجاره.

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)
ماده ۲۴ - حقوق متعلقه باوراق کار که در زمان
تحویل حقوق پستی ادا میشود و میده و مقصدش در
داخله مملکت است از قرار ده مثقال یا کسرده مثقال
سه شاهی است و وزن این قسم بسته ما از ۴۰ مثقال نباید
تجاوز کند اقل میزان حقوق پستی هر بسته اوراق کار
۹ شاهی است.
رئیس - مخالفی نیست ماده ۲۵ خوانده
می شود.
ماده ۲۶ - تعیین شرایط جنس و شکل و اندازه
کارتهای پستی بسته های جرایم و کتبه های جرایم
و سایر مطبوعات و مستورجات تجارائی با اداره پست
است اداره پست مجاز است که از حیث شرایط و تعرفه
کارتهای راهی که اشخاص مختلفه میسازند مثل کارتهای
پستی ملاحظه نمایند.
رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد).

حاج سید ابراهیم - بنده در عبارات مخالفم اما قانون
از برای ایران وضع میکنیم این کوالفظ فصیحی نباشد
معاون پست - عرض میکنم مطالبی که در
جوف پاکت گذاشته میشود این را ناچارند که در اداره

حاج سید ابراهیم - دو آن ماده پیش نوشته
شد که قیمت هر ورقه روزنامه بکشاهی است و اینجا
میگوید که در پاکت سرباز باشد دوشاهی و حال آنکه
روزنامه که در پاکت سرباز باشد و سرش تسنجیده باشد
چه فرق میکند با اینکه بدون پاکت که آنجا بکشاهی
و اینجا دوشاهی

عجالتاً بودجه که در کمیسیون مطرح مذاکره است بودجه وزارت پست و تلگراف است جلسات کمیسیون بودجه هم بطوری که اعلان شده هفته چهار روز است و هر روز مذاکره بودجه است بودجه وزارت جنگ هم جزو شکمبه کمیسیون آمده بودجه وزارت خارجه داخله معارف هیچ کدام جزو شکمبه کمیسیون نیامده است و عجالتاً میتوان گفت که تا چند روز دیگر بودجه وزارت پست و تلگراف حاضر خواهد بود حال آنکه دائم مجلس چه رایی خواهد داشت که بودجه هاجر جزو شکمبه باشد یا آنکه بودجه جمع و خرج بطور کلی که ختم شد آن وقت یک مرتبه پیشنهاد مجلس شود

آقای میرزا مرتضی قلیخان - بنده اولاً با کمال تأسف تصدیق میکنم فرمایشات آقای آقا میرزا احمد را که بودجه سال گذشته چرا تا حال به مجلس نیامده است ولی گمان میکنم که این تقصیر کمیسیون بودجه نباشد بلکه راجع به بی ترتیبی کلیه امور بوده است که از این که این بی ترتیبی در سالهای سال متراکم شده بود باین سنوات اخیر رسید که دولت نتوانست آن بی قانونی های سابق را طوری اصلاح بکند که بودجه صحیح به مجلس بیاید پس در واقع این تقصیر آن بی ترتیبی های دوره های سابق بوده است که بطوری دچار اشکال بوده است که تا امروز اید بودجه به مجلس نیامده است و اینکه میگویند فلان بودجه به مجلس آمده بنده جدا تکذیب میکنم که ایداً بودجه قانونی هنوز به مجلس نیامده است بواسطه آنکه بودجه قانونی عبارت از بودجه است که جمع خرج آن معین شده باشد و وزیر مالیه مملکت بیارود در مجلس رسماً پیشنهاد بکنند بمقام ریاست مجلس دار انجامیرود بکمیسیون بودجه و در کمیسیون بودجه جمع و خرج تصفیه بشود و هیچ این بودجه نیامده شاهدش هم خود مجلس است بجهت اینکه مجلس می داند همچو بودجه نیامده است پس آنچه رسیده است بعضی مقدمات است بواسطه عجله که مرحوم صنیع الدوله داشت در این کار زودتر اصلاح بشود بطور مقدماتی بعضی مسوده های بودجه را آوردند بکمیسیون بودجه که مقدمه آوردن آن بودجه قانونی که مجلس میاید بشود که زیاد اسباب گفتگو نشود پس بنده میتوانم عرض کنم که بودجه نیامده است و این بودجه هائی که رسیده است بطور مسوده است عرض کردم یک فقره اش بودجه مفصل بود که میشد داخل مذاکرات آن بشوند که آن بودجه دربار بودجه وزارت مالیه بود و باقی دیگر مجمل بود هم بود که از اجزای مفهوم نمیشد باین جهت خواستیم جزئیات بودجه را بیاروند و بودجه صحیح فقط بودجه که بعد از تأکیدات ماریس بودجه وزارت پست و تلگراف بود و تا دوروز دیگر امیدوار هستیم که تمام شود و اما کارهای را که کمیسیون بودجه در این مدت کرده است صدها اش در باب عایدات بوده است که می توانم بگویم نظراتش را در آن خصوص معین کرده است و می توانم اطمینان بدم که تصفیه شده است و این خودش خیلی اهمیت دارد علاوه بر اینکه کمیسیون بودجه هفته روز تشکیل می شود چند کمیسیون هست که مخصوصاً عایدات مذاکره می کنند که آقای حاجی

سید ابراهیم مخصوصاً در این باب مساعدت کردند و بعضی از نمایندگان و آقایان حاضر شدند در این باب رسیدگی کردند و امیدوار هستم که اگر جزو بودجه ماریس و آن بودجه قانونی را وزارت مالیه پیشنهاد مجلس بکنند و این چهار پنج ماهی که از عمر خودمان مانده است بتوانیم بودجه صحیحی تقدیم بکنیم ولی آن طوری که از عمر ما رفته است بکلی بنده مأیوسم

معاون وزارت پست و تلگراف - چون فرمودند غیر از بودجه وزارت مالیه و در بار دیگر بودجه صحیحی نیامده است بنده لازم است در این جا عرض کنم که بودجه وزارت پست و تلگراف چهار ماه قبل از سال نو هم بطور تفصیل هم بطور اجمال بوزارت مالیه داده شده است و وزارت مالیه هم بپسندیدم که بودجه اما چون چند روزی است که در کمیسیون بودجه شروع شده است بخواندن این بودجه پست و تلگراف بنده مطابق این ترتیبی که در کمیسیون دارد می گذرد حساب کردم دیدم لافل دو سال وقت می خواهد که تمام این بودجه ها تصویب بشود و اما اینکه می فرمایند که وزارت خانه یک بودجه جمع و خرج کلی که شامل تمام دخل و خرج آن وزارت خانه باشد باید بدهد همان طوریکه فرمودند چون مملکت ترتیب مرتبی نداشته بدین طور این وزارت مالیه هم مال این مملکت است مبرورده است برایش که همچو کاری بکنند باین ترتیبی باید این ترتیبی ها را از دو طرف اقدام و اصلاح کرد که این بودجه هائی که باید همه وزارت خانه ها بی ترتیب نیست وزارت پست و تلگراف یک وزارت خانه است که چهل سال است در این مملکت اجزای و ترتیب دارد و بنده می بینم که اگر این بودجه ها از مجلس باین زودی نگذرد یک ضرری برای دولت خواهد بود و آن این است که ویرانه مجبورند یک حقوقی بجا بدهند در صورتیکه تکلیفی ندارند در این صورت این بودجه خوب است لافل آقایان اعضاء کمیسیون یک قدری دقتشان را در جزئیات امر کمتر بفرمایند که زودتر بگذرد و بعد یکی یکی به مجلس بیاید و از مجلس بگذرد و بعد از اینکه بترتیب از مجلس گذشت کلیه بودجه ها از مجلس گذشته خواهد بود آن وقت ما می توانیم دارای یک بودجه جمع و خرج کلی باشیم و الا اگر بخواهید انتظار آن مطلب را بکشید تا آخر سال بآن موفق نخواهید شد

رئیس - پیش از این باب مذاکره نخواهیم کرد آقای ادیب التجار سئوالی از وزارت پست و تلگراف داشتید بفرمائید

ادیب التجار - در جلسه قبل مطلبی در باب بنا کردن پست خانه و تلگرافخانه در سرحد جلفا فرای گرفته شد آقایان نمایندگان بنامیت اینکه در سرحد هر قدر بناهای خوب باشد بجهت دولت البته خیلی خوب است برای دادند ولی یک سئوالی داشتم از آقای معاون وزارت پست و تلگراف که بناهایی که از قدیم در سرحد جلفا داشته است آنها چه حال دارد و چه خواهد شد توضیح بدهند

معاون پست و تلگراف - اگر نظر آقای ادیب التجار باشد هر روز که این مسئله آمد بمجلس عرض کردم این عمارتی است که دوطبقه ساخته میشود و آن مهندسی که فرستادیم رسیدگی بکند کرد و مخرجی که بر آورد کرد برای دوطبقه یک طبقه اش برای پستخانه است و یک طبقه اش برای اقامت اجزای پست چون در آن سرحد آقایان همه میدانند که خانه استیجاری و گریه پیدایش شود و این را هم آقایان البته میدانند که اجباری است که این را تغییر بدهیم بجهت آن راه شوشه که دولت داشت و دارد این بود که خیال کردیم که این دوطبقه را بازمیم که دستگاه پستخانه و تلگرافخانه هر دو اش باشد و آن عملی را که در آنجا داریم برای خانواده مستخدمین باشد و دولت هر قدر در آن سرحد عمارت داشته باشد البته بهتر است و محافظ آنرا خواهیم کرد

رئیس - آقای خیر کمیسیون بودجه میگویند آقای معاون اشتباه فرمودند که چهار ماه است بودجه فرستاده شده است و چون ۱۸ نفر اعضاء کمیسیون اینجا هستند اگر بنا باشد همه حرف بزنند دو ساعت طول خواهد کشید الا اگر یک اشتباهی بود بنده عرض کردم که رفع اشتباه بشود راپورت کمیسیون مبتکران راجع به پیشنهاد آقای حاج شیخ الرئیس که بکمیسیون راجع شد آمده است خوانده میشود

[بمبارت ذیل خوانده شد]

راپورت کمیسیون مبتکران بپسندیدم شورای ملی طرح آقای حاج شیخ الرئیس مشعر بر تعیین چند نفر از اهل علم در میان افواج که هم قوه دینی و اسلامی را در باره دفاع از مملکت اسلامی بفراراد قوتن آموخته و هم در مقام اداء فرائض امام جماعت آنها باشند که از مجلس بکمیسیون ارجاع شده بود تحت شور در آورده و طرح مزبور را قابل توجه دانسته ولی چون مشتمل بر مواد قانونی نبود جزء تسهیقات عسکریه است در کمیسیون بالاتفاق رأی داده شد که وزارت جلیله چنگ این نکته را البته در جزء تنظیمات و تسهیقات عسکریه مرعی و مجری خواهند داشت

رئیس - مغالفی نیست (اظهار شد خیر) دستور سه جلسه آتی

آقای محمد پروچردی - بنده عرض داشتم

رئیس - درجه موضوع

آقای محمد - خارج از این مطلب

رئیس - خوب بود می نوشتید

آقای محمد - نوشته ام

رئیس - بنده ترسیده است دستور جلسه آتی چهار فقره راپورت کمیسیون بودجه است

۱- راجع بساختن مدرسه و کتابخانه و موزه در اراضی نیکارستان

۲- راجع بحقوق مرحوم - حامد الملک

۳- راجع به کار گزاران عراق و قونسل ادما لایحه طبابت و در موقع تنفیص انتخاب یک نفر بجای آقای حاجی محمد کریمخان برای کمیسیون داخله [مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم شد]

جلسه ۲۴۵
صورت مشروح روز شنبه دهم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۵

رئیس آقای مؤتمن الملک ساعت بیست دقیقه قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نموده و پس از مدتی مجلس رسماً افتتاح شد

صورت مجلس روز شنبه را آقای آقامیرزا - ابراهیم خان قرائت نمود

(غائبین جلسه قبل)
حاج وکیل الرعایا بدون اجازه غائب
اسمعیل خان سی و پنج دقیقه - آقا شیخعلی شیرازی چهار دقیقه - تربیت نیم ساعت از حضور در وقت مقرره تأخیر نموده حاج معین الرعایا آقا شیخ مهدی نجم آبادی مریض بودند

ذکاء الملک - در جواب آقای فهم الملک که اظهار داشتند امتنا بیون را نصف یک طرف و نصف را بیک طرف دیگر بدهیم در جواب بنده عرض نکردم کدر هیچ جا معمول نیست عرض کردم بنده اطلاع ندارم کدر جایی معمول باشد

حاج عز الملک - اینجا نوشته شده است که بنده عرض کردم که بودجه مرکزی وزارت مالیه نیامده است در صورتیکه بنده عرض کردم که بر حسب تقاضای وزارت مالیه موقوف مانده است و ورود مستخدمین مالیه که بعد از آن بپسندیدم میشود

رئیس - اصلاح میشود - آقایانیکه تازه بیست و کالت انتخاب شده اند باید امروز قسم باندنایند (در این موقع کلام الله را بپسندیدم آورد رئیس و هیئت حاضر برای تنظیم آن قیام نمودند پس از آن هر یک از آقایان معتمد الدوله و اعضاء الملک - آقامیرزا اسمعیل خان فرزانه - آقا سید محمد رضای همدانی - آقا میرزا قاسمخان - دکتر سید امین الاطباء - آقامیرزا علی اسفغانی - دکتر لقمان نماینده کمیسیون متوالیا با اجازه رئیس بکرسی نطق آمده مطابق اصل یازدهم قانون اساسی تسبیح نمیداد نموده و روزه قسم نامرا اعضاء نمودند)

رئیس - دستور امروز راپورت کمیسیون بودجه راجع بساختن موزه و مدرسه سیاسی - راپورت کمیسیون بودجه راجع بورثه حامد الملک - ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بکار گزار عراق و قونسل ادسا لایحه قانونی طبابت ولی راپورت کمیسیون بودجه راجع بساختن مدرسه و موزه هنوز حاضر نشده است از اینجهه آنرا میکنداریم برای روز شنبه عجلتاً شروع می کنیم بقرائت راپورت کمیسیون بودجه راجع بورثه حامد الملک [راپورت مزبور بمبارت ذیل خوانده شد] بتاریخ ۱۵ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۵

ورثه مرحوم حامد الملک که مأمور فارس بود و در کاشان بدست اشراق مقتول گردید عرض حال بپسندیدم داده و استعفا کرده بودند که حقوق دیوانی آن مرحوم بالتمام در حق ورثه اش برقرار گردد مراتب بوزارت مالیه اخطار گردید توضیحات خواسته شد در جواب شرحی نوشته اند مبنی بر اینکه مرحوم حامد الملک در فقر اولاد کور و یک نفرانات که هر سه صغیرند و یک عیال دارد و فعلاً کسی را که کفالت خرج آنها را بکنند ندارند و مقصودشان این است که یکصد تومان حقوق مرحوم مزبور بدو

حاج میرزا رضاخان - بجهت فهم الملک - آقا میرزا ابراهیم خان - معتمد الدوله - حاج شیخ اسدالله - سعید الاطباء - حاج شیخعلی - حاج مصدق الملک - آقای سید محمد رضای همدانی - افتخار الواعظین - ارباب کیخسرو - آقامیرزا مرتضی قلیخان - دکتر خیر - میرزا مسلمان الحکماء - آقامیرزا ابراهیم قی - ذکاء الملک - آدینه محمدخان - متین السلطنه

(آقایانی که در دستند)
آقامیرزا رضای مستوفی - محمد هاشم میرزا - سید - الملک - آقا سید حسین کرگزی - آقا شیخ رضا - آقا شیخ غلامحسین - ضیاء الملک - آقامیرزا احمد - علی زاده - ابوالقاسم میرزا - تربیت - معتمد السلطان - آقا سید جلیل آقامیرزا داودخان - سلیمان میرزا - آقا سید محمد رضای سادات - دکتر اسمعیل خان

رئیس - بلا تکلیف ماند لایحه قانونی شغل طبابت در کلیات آن هر گاه مخالفی هست اظهار نمایند

آقای اسان الحکماء مخالف مستند

لسان الحکماء - بله مخالفم

رئیس - بفرمائید

لسان الحکماء - کلیه احکام و قوانینیکه وضع میشود یا خصوصی است یا عمومی است و این قوانین مثل قوانین بدلیه ولی قوانین عمومی یعنی قوانینی که افراد ملت باید از آن منتفع بشوند و بنده گمان میکنم که همانطور که آن روز آقای بجهت در باب قانون استخدام فرمودند قانون طبابت هم یکی از آن قوانینی است که باید افراد ملت از آن منتفع بشوند و اگر اینطور نوشته شود و بطور خصوصی بخواهیم آنرا بکار بیاوریم یک قسمت بزرگ از اهالی را از این قانون محروم کرده ایم بلکه بکسر فوق العاده هم بآنجا رسانیده ایم بجهت اینکه مثلاً اگر این قانون فقط در تهران مجری شود محفوظ کرده ایم یک جمعیتی را و آن اشخاصی که در تهران احوال سوء می کردند از حدود قلمرو تهران می روند و بجایهای دیگر و در این جا مشغول طبابت و آدم کشی میشوند و در این صورت یک عده رانجات دادیم و یک هیئت بیشتری را بیشتر در آتش انداخته ایم باینجهه بنده عقیده ام این است که این قانون بکلی از قوانین عمومی است و باید افراد ملت از آن منتفع شوند بنده در این خصوص یک پیشنهادی کرده ام که تقدیم هیئت رئیسه می کنم و آن راجع باین است که مدارق قوانین راجع به طبابت در سایر بلاد ایران نشر و سرایت خواهند داد - بنده اگر این پیشنهاد تصویب بشود باین قانون موافقت والا مخالف خواهم بود

دکتر امیر خان - بنده هم مخالف هستم با این که این قانون فقط برای تهران مجری بدیم بجهت این که همین طوری که گفته شد این اطباء وقتی که دیدند در اینجا یک مسئولیتی هست خواهند رفت با طرف و در آنجا مشغول این کار خواهند شد همین کارها را در این جا می کنند و اما این که یک قانون عامی باید وضع شود این را موافق هستم و تصور نمی کنم کسی بتواند منکر آن بشود بجهت این که این یک کاری است که راجع است به عموم اهالی این مملکت و چنین امری زمانی توان یک مکان یک عده

حسب اجازه دولت و تصویب دارالشورای ملی ایجاد شده باشد .
 تانیا - دیپلمهای مالک خارجه که در برابر ایران نایبند رسمی دارند
 پیشنهاد کمیسیون ماده ۲ - در آتیه استادی که وزارت معارف آن را رسماً شناخته و صاحب آن اجازه نامه طبابت خواهد داد از این قرار است .
 اولاً - تصدیق نامهائیکه در مملکت ایران بتوسط مدارس طبی دولتی داده می شود
 تانیا - تصدیق نامه های طبی دولتی ممالک خارجه .

حاج شیخ اسدالله - اینجا می نویسد اشخاصی تصدیق داده می شود مطابق این قانون که دارای تصدیق نامه باشند از مدارس طبی دولتی بنده می خواستم عرض بکنم که فقط تصدیق مدرسه کفایت نمی کند بجهت این که طبیب یک عملیاتی لازم دارد که آن فوق عملیات است در مدارس طبی اینک معمول است و بنده دیماه یعنی در مهکت خودمان شاید در خارجه غیر از این باشد در مدارس خودمان چیزی را که تحصیل میکنند فقط عملیات است و بقیه بنده یکی که داخل عملیات نشده است نمی توان با اجازه در عملیات داد مگر اینکه مدتی پیش یکد کتبی داخل عملیات شده باشد و امتحانات صحیحه داده باشد بعد از آنکه امتحانات صحیحه داد و درست از امتحانات بیرون آمد تصدیقی از آن دکتر و مدرسه بگیرد که این دو تصدیق را ضمیمه هم کرده بوزارت معارف بدهد تا این که وزارت معارف با اجازه بدهد و تصدیق نامه برگیرد این است که بنده این فقره را پیشنهاد میکنم که قید شود که دارای تصدیق نامه عملیات باشد

معاون وزارت معارف - معلوم بود و فواید نامه این نکته که فرمودید خیلی نکته صحیح است ولی نکته دیگری در این جا هست که شاید لازم است بنده عرض بکنم که این مطالب که فرمودید همه آنها در ضمن تصدیقات طبی مراعات شده است تحصیل طب فقط این نیست که طب را بخوانند دیگر دست به عملیات نزنند بلکه در پروگرامی که از برای تحصیل طبی نوشته شده است معین است که شاگرد طب در سال دوم با معاینه خودش در مریض خانه باید عملیات بکند یعنی در ضمن تحصیل علمی همه روز در مریضخانه با معلم خودش مقداری مشغول عملیات میشود و تحصیل عملیات هم میکند و وقتی که معین شد که شاگرد بعد از چهار پنج سال فارغ التحصیل می شود آن فراتر از محیط علم و عمل هر دو است و آن تصدیقی که با داده میشود دارای علم و عمل هر دو است تا اینکه طرف دقت واقع شود و در ضمن تحصیل عملیات هم میشود .

دکتر امیرخان - بنده باز ایورت کمیسیون مخالف و بایشهاد وزیر موافق در اینجا که میگوید دیپلم هائیکه در مملکت ایران بتوسط مدارس طبی دولتی داده شده که آن مدارس بر حسب اجازه دولت و تصویب دارالشورای ملی ایجاد شده باشد این صحیح است حال کمیسیون هم تقریباً همین است تانیا

دیپلمهای مالک خارجه که در ایران نایبند رسمی دارند بنده این را بهتر میدانم از اینکه بنویسم تصدیق نامه ای طبی دولتی مالک خارجه بجهت اینکه فرض بفرمائید که از صرب یا بلغار یا یکی از این ممالک کوچک چون آنها میداند که طبابت در ایران یک مسئولیتی ندارد و ممکن است در این صورت هر کس از خارجه بیاید طبیب هم نباشد بهمان اسم خارجه خود را طبیب معرفی بکند و شاید یک کافندی هم در دست داشته باشد یک [سیرتیکیانی] هم در دست داشته باشد که در سایه او بخواهد اجرای طبابت بکند و چون او هم نایبند رسمی در اینجا ندارد پس ما بطور بدائیم که این طبیب هست یا نیست در آن ولایات تحصیلاتی آنها چه جور شده است و آیا این تحصیلات را کرده است یا خیر پس اینکه در پیشنهاد وزیر نوشته شده است که دیپلمهای مالک خارجه که در دربار ایران نایبند رسمی دارند این بهتر است و بنده با این پیشنهاد وزیر موافق هستم که در خصوص خارجه این کلمه باشد برای اینکه به چهار اشکالی نشویم .

ذکاء الملک - در این باب در کمیسیون خیلی مذاکره کردیم و بالاخره رأی اعضای کمیسیون بر این شد که این فیه چندان لزومی ندارد بجهت اینکه یک وقتی فرضمان این است که محدود بکنیم عمل طبابت را باطیای داخله حتی الامکان مثل اینکه بعضی جاها می کنند و سایرین را ممانعت می کنند از اینکه در ممالک خودشان طبابت بکنند این یک ترتیب دیگر میخواهد و ما شاید مقتضی نباشد حالا که این کار را بکنیم بجهت اینکه سنو است که اطیای خارجه طبابت می کنند در ایران کار خیلی مشکلی است که بخواهیم حالا جلو گیری بکنیم و شاید مصلحت ما هم حالا نیست که جلو گیری بکنیم بجهت اینکه ما هنوز آن اطیای حاذقی که باید داشته باشیم که بقدر کفایت مثل اطیای فرنگی کار بکنند و وجودشان فایده داشته باشد نظاریم یعنی حکم داریم و باز هم محتاجیم که اطیای از خارجه بیآوریم و اما اینکه نمی توانیم نظر بآن مسئله داشته باشیم که طبابت را بخواهیم منحصر به طبیب های داخله بکنیم وقتی که نظر باین مسئله نداشته باشیم و بخواهیم یک حدی برای این کار معین کنیم یعنی از برای اطیای خارجه آنوقت ناچاریم که یک حدی از برایشان معین کنیم مثلاً این حدی که معین شده بود در لایحه وزیر در خصوص اطیای خارجه که کسانی باشند که نماینده دولتی در آنجا داشته باشند اگر یک لحاظ این خوب بود که آقای دکتر امیرخان فرمودند ولی نظر به بعضی ملاحظاتی دیگر هم دیدیم ممکن است اسباب اشکال بشود مثلاً دولت سوئیس در اینجا نایبند رسمی ندارد ولی دولت سوئیس یک دولتی است که اطیای آن دو آنجا تحصیل کرده اند تقریباً مثل اطیای فرانسه و انگلیس و آلمان خوب هستند و اگر بخواهند بیایند این جا طبابت نمایند و در صورتی که ما اطیای فرانسوی و آلمانی و انگلیسی داشته باشیم و اجازه بدهیم که طبابت بکنند چه دلیل دارد سوئیس را اجازه

ندیم و ملاحظه کردیم دیدیم که سوئیس یک مملکتی نیست که مدرسه صحیحی نداشته باشد و تصدیقی که می دهند آن طبیی بد باشد و طبابت بکنند در ایران مضر باشد این ملاحظاتی که کنیم که حالا خوب است این را مقید بکنیم یا نه که از وجود آن ها مستغنی باشیم و شاید هم هیچ وقت مقید نکنیم و وقتی هم که مقید بکنیم باید وقتی باشد که اطیای تحصیل کرده بقدر کفایت داشته باشیم و محدود کردن اطیای خارجه چندان ضروری برای مانداشته باشد .
رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد و [تصدیق کردند] اصلاحی آقای مشتری در پیشنهاد کرده اند خوانده می شود (باین عبارت خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می کنم که ماده دو این یکی هم زیاد شود که تصدیق علمی علاوه بر علمی از همان مدرسه ما داشته باشد .
رئیس - توضیحی دارد بفرمائید .
هشترودی - بنده دیگر خواستم زیادی حرف بزنم آقای معاون فرمودند که در پروگرام خواهد بود بنده خواستم که در جزء قانون هم باشد .
ذکاء الملک - تصدیق عملی که میفرمائید اصلاً موضوعیت ندارد بجهت اینکه در مدرسه دولتی همین طوری که معمول است و بعد از این هم بیشتر خواهد شد تصدیق را طبیب نمی دهد بکسی که عملیات ندارد یعنی همچو نیست که در مدرسه دولتی یک معلمی باشد کتاب را بگذارد جلوی خودش و مطالعه بکند و از روی آن درس بگوید و معلمین تحصیل بکنند و وقتی که یک دوره طب را تمام کرد بروند پیش طبیب دیگر عملیات بکنند و عمل را بیاموزند این طور نیست ولی باید متعلم طب در همین اینکه تحصیل طب می کند عمل هم بکند و اگر غیر از این باشد یعنی بدانند که شاگرد علم طب را دارد و عملیات بقدر لازم ندارد باو تصدیق نمی دهند که باو بشود گفت طبیب همین جهت است که مدارس طبی با در خود مدرسه مریضخانه دارد که متعلم را عملیات طبی تعلیم می کنند یا این که اگر خودشان مریضخانه ندارند با یک مریض خانه ارتباط دارند و عملیات را در آنجا می کنند و گمان می کنم که لازم نباشد و این یک خلاف ترتیبی است که در قانون می نویسیم که تصدیق علمی و عملی حالا این قید هم مخالفت نمی کنم می خواهد بنویسد بنویسد ولی یک قید زانمی است .
هشترودی - بنده پیشنهاد خود را مسترد می دارم .
حاج شیخ اسدالله - بنده اختیار می کنم .
رئیس - رأی می گیریم باین اصلاحی که پیشنهاد شده است آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام نمایند (روشد) حالا یک ربع ساعت تنفس است . (مجدداً یک ساعت و دو دقیقه قبل از غروب جلسه

(تشکیل شد) ماده الحاقیه کمیسیون فرائت شد بمبارت ذیل .
 ماده سیم - گیرنده اجازه نامه طبابت مبلغ پنج تومان بصندوق وزارت معارف باید کارسازی نماید
رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)
پیشهاد وزیر - ماده ۴ - اشخاصی که قبل از وضع این قانون در تهران یا دیلم یا بدون آن مشغول عمل طبابت بوده اند بشرط ذیل مجاز خواهند بود که مداومت در شغل خود بنمایند .
پیشنهاد کمیسیون - ماده ۴ - اشخاصی که هیچ یک از تصدیق نامه های مذکور در ماده دوم این قانون را ندارند و در تاریخ نشر این قانون از پنج سال کمتر مشغول طبابت بوده اجازه نامه طبابت بآنهاد داده نمی شود و از مداومت بشغل مزبور منوع خواهند بود .

آقا محمد پروچردی - بنده اساساً با این قانون موافق هستم که آدم کشی با کمال ترمی کم شود .
رئیس - مذاکره در اساس نیست در ماده چهارم است .

آقا محمد - در این ماده چهارم عرض میکنم از لفظ مداومت بشغل مزبور منوع خواهند بود چنین برمی آید که می تواند اشتغال پیدا کند ولی نه بطریق مداومت و بنده با این مخالفم باید بهر طریق منوع باشد چه به مداومت چه بغیر مداومت
حاج شیخ اسدالله - اینجا می نویسد اشخاصی که کمتر از پنج سال مشغول شغل طبابت بوده اند از شغل طبابت منوع خواهند بود بقیه بنده صحیح نیست برای اینکه چه بسا اشخاصیکه ده سالست طبابت کرده اند و حق طبابت ندارند باید آنها را هم منع کرد و بسا اشخاصیکه پنج سال هم کمتر طبابت کرده اند بعد از آنکه امتحان کردند امتحان هم می دهند و از امتحان هم صحیح بیرون می آید آنها حق طبابت هم دارند پس اینکه می نویسد هر گاه از پنج سال کمتر مشغول طبابت باشند از شغل طبابت بکلی منوع خواهند بود صحیح نیست .

ذکاء الملک - آقای حاج شیخ اسدالله توجه فرموده اند در این قانون اشخاصی که پنج سال کمتر طبابت کرده اند هیچک از تصدیق نامه های سابق الذکر را هم ندارند حاضر هم نمی شوند که بیایند امتحان بدهند چنانچه در ماده بدهست همچو اشخاصی را چطور می توانیم بگوئیم و اجازه بدهیم که طبابت بکنند یا باید بطور متمادی طبابت کرده باشند که در ضمن عمل یک چیزی یاد گرفته باشد یا باید پیش یک طبیی یک مریضخانه یک مدرسه تحصیل کرده باشد که بتواند یک قدری تحصیل خودش را تکمیل بکند و بیاید امتحان بدهد اینها در این مورد تصدیق شده است دیگر چه ایرادی است و در این صورت چه مخالفت میکنند .

لسان الحکماء - ماده چهارم یک قدری از مواصات مساوات دور افتاده اگر آنکسانی را که مباشرت در عمل طبابت معارضه تقدیس و تصدیق

می کنند و مصحح عمل طبابت می دانند چه فرق میکند خاک طهران با خاک آذربایجان اینجا می نویسد اشخاصی که هیچک از تصدیق نامه های مذکور در ماده دوم این قانون را ندارند و در تاریخ نشر این قانون از پنج سال کمتر در تهران مشغول طبابت بوده اجازه نامه طبابت بآنها داده نمی شود بنده نمی دانم که اگر این مدت مباشرت عمل تقدیس می شود چه فرق میکند خاک تهران با جا های دیگر و چه فرق دارد خاک طهران و سایر نقاط پس این مدت مباشرت عمل که تقدیس شد دو هر کجا که مداومت عمل کرده باشد یکسان است .

دکتر علیخان - این ایرادیکه شاهزاده لسان الحکماء کردند هیچ وارد نیست برای اینکه این قانون راهمانطور که ملاحظه فرمودید فقط عیالاً برای تهران نوشتیم و اینکه قید کردیم اگر از پنج سال کمتر مشغول طبابت هستند باید امتحان بدهند برای این است که اینها در تهران بوده اند و اسباب تحصیل برای آنها ممکن بوده و غفلت کرده اند و درست مشغول طبابت نشده اند باین جهت قید شد که آن اشخاصی که در طهران کمتر از پنج سال مشغول طبابت هستند از طبابت منوع باشند باین جهت اینرا نوشتیم که برای اینها اسباب تحصیل فراهم بوده و در سایر ولایات هنوز مدارس هست هنوز آنها را نتوانسته اند تحصیل کرده باشند باین جهت آنها را نوشته ایم و عرض دیگری هم میخواستم بکنم و آن این بود که این رایوروت بطور صحیح نوشته نشده است یعنی نوشته ایم که فلان ماده از لایحه وزیر مطابق فلان ماده از پیشنهاد کمیسیون است و کدام ماده از کمیسیون رد کرده است برای اینکه نظر کمیسیون بر این بوده که خود وزیر رایوروت کمیسیون را قبول می کند و حالا اگر بخواهیم باین ترتیب یک ماده از لایحه وزیر یک ماده از پیشنهاد کمیسیون بخوانیم اسباب اشکال میشود بجهت اینکه هیچک از مواد مطابقت با یکدیگر ندارند و حالا بنده لازم دانستم عرض بکنم که اگر آقای معاون وزارت معارف و علوم میل دارند قبول دارند رایوروت کمیسیون راه همین جا اظهار بفرمائید که درست در رایوروت کمیسیون مذاکره شود .

رئیس - اگر معاون وزیر لایحه خودشان را مسترد میدانند آنوقت میتوانیم در رایوروت کمیسیون مذاکره بکنیم
معاون وزارت علوم و معارف بنده عرض میکنم که این دو لایحه دقیقاً یکی است یعنی شاید در عبارت تغییری داشته باشد ولی بحسب معنی یک است و شاید رایوروتیکه در کمیسیون نوشته شده است عبارتش واضح تر است باین جهت است که بنده هم تقاضا میکنم که همین موضوع مذاکره باشد .

رئیس - پس شما لایحه خودتان را مسترد می دارید و رایوروت کمیسیون را قبول میکنید .
معاون - بله آنرا مسترد میدارم و این را قبول میکنم .
دکتر حلیز میرزا - بنده عرض میکنم باید لفظ طهران نوشته شود بجهت اینکه کیفیت طبابت قریباً کیفیت سایر قانون های معمولی است و اولاً شرایط امتحان چنانچه در این جا ذکر شد در سایر ولایات معمول نیست یعنی ممکن نیست و حاضر همها و آتیه نیست

معاون وزیر معارف و معارف بنده عرض میکنم که اینها در سایر ولایات مشغول طبابت شوند از برای این است که برای اینها اسباب تحصیل فراهم بوده است و در طهران هم اسباب تحصیل طب در طهران بهتر است و اگر ما بخواهیم این را تعمیم بدهیم بتمام نقاط آنلا اسباب این امتحانات و سایر ترتیباتش در اینجا ها نیست و البته این نتیجه اش بعد بسیار جاها منتشر خواهد شد و تانیا مقصود این است که اطباء از طهران بجایهای دیگر منتشر شوند و اطیاییکه مثلاً در قزوین طبابت می کنند نیایند در طهران طبابت بکنند در صورتی که اطباء از تهران بجایهای دیگر باید منتشر شوند و اینکه این را تعمیم بدهیم که در سایر ولایات هم معمول شود این چیزی است که هیچ موضوعیت ندارد این امتحانات و مجالس تعقیب ممکن نیست در سایر جاها قسری تهیه شود مگر اینکه از داخل شروع کنیم و کم کم از این جا آن شرایط طبابت را

و اگر لفظ طهران را ننویسیم در ولایات تولید زحمت رفته میکند بجهت اینکه این قانون که وضع می شود البته منتشر خواهد شد در ولایات اسباب زحمت خواهد شد بالفرض بکرتیبی در یک جایی یک طبیی که در آن محل است رجوع کرده و بعد بنظرش آمده است که این طبیی بکرتیبی باو رسانده آنوقت از برای آنطیبی و کس و کاران اسباب زحمت فراهم میآورند که شما طبیب نیستید برای اینکه تصدیق نامه ندارید یک زحمتی مردم بواسطه عدم اطلاع از برای طبیب های علی وارد می آورند در صورتیکه حالا همان ترتیب شغلند و عمل میکنند و اگر لفظ طهران را برای آنوقت اسباب زحمت برای اطیای اطراف فراهم خواهد شد و یک زحمت بزرگی تولید خواهد شد بعد از اینکه ترتیب طهران منظم شد آنوقت البته بتدریج در سایر ولایات هم شرایطش را هم تهیه میکنند که اطیای سایر ولایات هم باین ترتیبات نائل شوند و این قبیل زحمت ها هم تولید نشود .

رئیس - گویا مذاکرات در اینجا کافی باشد دو فقره اصلاح از طرف آقای لسان الحکماء و آقای معاضد الملک پیشنهاد شده است و تقریباً هر دو راجع بیک مسئله است که این مسئله برای تمام مملکت معویبت داشته باشد هر دو خواننده میشود بعد در قابل توجه بودنش رأی میگیریم (پیشنهاد شاهزاده لسان الحکماء بعبارت ذیل خوانده شد)

اصلاح در ماده چهارم - عوض در طهران ایران نوشته شود (لسان الحکماء)
 بنده تقاضا میکنم جمله آخر ماده ۴ کمیسیون اینطور نوشته شود - از دخالت بشغل طب در طهران و سایر ممالک محروسه منوع خواهد بود .

معاضد الملک - پیشنهاد بنده بایشهاد آقای لسان الحکماء موافق نیست مقصود بنده این است که آنها حق در طهران لایق طبابت نیستند و در سایر ولایات مشغول طبابت شوند از برای اینکه جلو گیری از این بشود پیشنهاد کردم که اشخاصی که در طهران لایق طبابت نیستند حق ندارند بروند در سایر ولایات طبابت نمایند .

معاون وزارت معارف و علوم از اینکه لفظ طهران قید شده است دوسه ملاحظه در نظر بوده است و نظر عمده این است بوده است که اگر از برای تحصیل طب و حاضر شدن برای آن اگر اسبابی بوده است باز در طهران هست اسباب محکمه هست در طهران است اگر مدرسه هست باز اسباب تحصیل طب در طهران بهتر است و اگر ما بخواهیم این را تعمیم بدهیم بتمام نقاط آنلا اسباب این امتحانات و سایر ترتیباتش در اینجا ها نیست و البته این نتیجه اش بعد بسیار جاها منتشر خواهد شد و تانیا مقصود این است که اطباء از طهران بجایهای دیگر منتشر شوند و اطیاییکه مثلاً در قزوین طبابت می کنند نیایند در طهران طبابت بکنند در صورتی که اطباء از تهران بجایهای دیگر باید منتشر شوند و اینکه این را تعمیم بدهیم که در سایر ولایات هم معمول شود این چیزی است که هیچ موضوعیت ندارد این امتحانات و مجالس تعقیب ممکن نیست در سایر جاها قسری تهیه شود مگر اینکه از داخل شروع کنیم و کم کم از این جا آن شرایط طبابت را

تعمیر کنند و از این جا منتشر شوند بجای دیگر
رئیس - رای میگیریم در مقابل توجه بودن
 اصلاحیه آقای امضاء الملك پیشنهاد کرده اند
 آقایانیکه قابل توجه می دانند این اصلاح را قیام
 نمایند (قابل توجه شد) اصلاح شاهزاده لسان الحکما
 را بخواهند .

(مجدداً اصلاح ایشان قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم در این اصلاح
 آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام نمایند (رد شد)
 اصلاحی آقای آقا محمد بروجردی پیشنهاد کرده اند
 خوانده میشود (بابت ذیل خوانده شد) - بنده در جرحه
 اختیاری ماده چهارم پیشنهاد می کنم بجای از مداومت
 بشکل مزبور ممنوع خواهد بود نوشته شود از دخالت
 بشکل مزبور الی آخر .

ذکاء الملك - رای گرفتن لازم نیست این
 را قبول داریم در کمیسیون اصلاح میشود .
رئیس - آقای منیر پیشنهاد شما را قبول
 میکنند پیشنهادی شاهزاده محمد هاشم میرزا کرده اند
 خوانده میشود (بابت عبارت خوانده شد) بنده پیشنهاد
 میکنم نوشته شود در ماده چهارم کسانی که در تهران
 یا نقاط دیگر مدت پنج سال مشغول طبابت بوده در
 تمام نقاط میتوانند مشغول طبابت باشند .

محمد هاشم میرزا - آنچه بنظر بنده میرسد
 ایرادی که شاهزاده لسان الحکما کردند جواب داده
 شد بجهت اینکه فرمودند این نوشته شده است
 اطباءیکه پنج سال طبابت کرده اند مجازند طبابت
 کنند و اختصاص داده اند به تهران و حال آنکه طهران
 هیچ اختصاص ندارد اگر در پنج سال تجربه کانیست
 چه در تهران چه در آذربایجان در هر دو کافست بجهت
 این که همانطوریکه طبیب میتواند در تهران در پنج
 سال تجربه حاصل کند همانطور در آذربایجان هم
 می تواند تجربه حاصل کند و چون پیشنهاد شاهزاده
 لسان قدری مبهم بود بنده پیشنهاد کردم که هر کس
 پنج سال طبابت کرد چه در تهران چه در سایر نقاط
 تفاوت نداشته باشد .

ذکاء الملك - چرا تفاوت دارد فرض
 بفرمائید يك كسی که در يك بابی طبابت میکند ولو
 درس هم هیچ خوانده باشد این طبابت میکند در
 مدت پنج سال با يك کسیکه در طهران پنج سال
 طبابت کرده است تصور میکنید که این دو نفر اطلاعشان
 یکبست یا تصدیق می فرمائید که این که بصیر نشان
 يك اندازه است راست است که این شخص درس
 نخوانده است و بدینم ندارد و با چه اشخاص مشهور
 است اطلاعش عالم دیده است سر مرصها که میرود
 با اطباء مذاکره میکند و مذاکرات آنها را می شنود
 و روزنامه ها را هم میخواند کتاب همکس است خوانده
 باشد اما يك کسیکه در ده بزرگ شده و قطع طبابت
 کرده است ممکن است که کتاب هیچ خوانده باشد
 ممکن است هیچ سواد نداشته باشد چطور ما اجازه
 بدیمیم که او بیاید از فلان ده در طهران طبابت کند
 این را باید فرق گفتار بین اشخاصیکه در يك
 بلد معظمی شهری که تمدن دارد و در اینجا بزرگ
 شده اند ولو درس نخوانده باشد با اشخاصی که در
 جاهائی که خالی از علم و تمدن است بزرگ شده اند

و گاهی از اوقات میشود اشخاصی که در شهر بوده اند
 و درس نخوانده اند عالتر میشوند از اشخاصی که
 در ده درس خوانده اند .
محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد خودم
 را مسترد می دارم .

(پیشنهادی از انتظام الحکما بابت ذیل خوانده
 شد) بنده پیشنهاد می کنم هر طبیبی که در تهران کمتر
 از ده سال مشغول طبابت باشد و معکمه باز کردنی
 طبابت ندارد مگر آنکه از وزارت معارف اجازه نامه
 طبابت گرفته و به نیت وزارت داخله رسانیده باشد .

انتظام الحکما - بنده قید کرده ام بنده
 سال آنهم در تهران و کسیکه در تهران ده سال
 معکمه داشته باشد و طبابت کرده باشد در حقیقت
 خودش يك امتحان صحیحی است بواسطه اینکه
 مباشرت کرده است و امتحانات کرده است گذشته از
 این همین که در تهران مشغول طبابت بوده است لابد
 در مرصخانهها در مدرسه مادر دوخانه ها با اطباء
 بزرگ مجالست کرده باشد این خودش يك امتحان
 صحیحی است ولی اگر کمتر باشد مدت طبابت او
 طبابت نمی تواند بکنند و ممنوع است از طبابت کردن

رئیس - رای میگیریم با اصلاحی که آقای
 انتظام الحکما پیشنهاد کرده اند آقایانیکه قابل
 توجه می دانند این اصلاح را قیام نمایند (قابل توجه
 شد) ماده پنجم را بخواهند (این عبارت خوانده شد)
 پیشنهاد کمیسیون ماده (۵) اشخاصیکه دارای
 هیچیک از تصدیق نامه های مذکور در ماده دوم این
 قانون نیستند و بیش از پنج سال کمتر از ده سال در
 تهران طبابت کرده اند اجازه نامه طبابت می توانند
 بگیرند مشروط بر اینکه از تاریخ انتشار این قانون
 تا تقضاء مدت سه سال حاضر شوند که در کمیسیون
 مخصوصی که بر طبق ماده هشتم این قانون در وزارت
 معارف منعقد میشود امتحان دهند یا آنکه تا مدت
 چهار ماه یکی از اساتذ ذیل را بوزارت معارف ارائه دهند
 اولاً - تصدیق تحصیل و تلمذ در مطب یکی
 از اطباء معروف ایرانی مشروط بر اینکه در آن
 تصدیق نامه ذکر شده باشد که دارنده آن لاقبل
 پنج سال بالاستمرار از تلامذ او بوده است .

ثانیاً - تصدیق نامه اطباءى مرصخانه دولتی و
 امریکائی - توضیح - تصدیق نامه های مذکور فقط
 چهار ماه بعد از نشر این قانون اعتبار خواهد داشت
 و وزارت معارف بر طبق او اجازه نامه طبابت خواهد
 داد بعد از تقضاء آمدن آن تصدیق نامه ها از اعتبار
 خواهد افتاد و فقط اسناد مذکور در ماده دوم
 این قانون برای تحصیل اجازه نامه طبابت معتبر
 خواهد بود .

لسان الحکما - بنده چون در آن ماده
 درست عرایض خودم را شاید ادا نکرده باشم مجبور
 شدم که عرض خودم را در این ماده چون مناسبی
 دارد تکرار کنم صحیح فرمودند آقای منیر که
 نمیشود کسیکه در تهران طبابت کرده است مقایسه
 کرد بکسی که در يك دهی طبابت کرده است و لکن
 خیلی اختلاف بزرگ است اینکاش بکسی که پنج سال
 در يك دهی مباشرت بطلب داشته بآن اجازه طبابت
 بدهند بجهت اینکه در آن ادویه که او تجربه کرده
 است هیچ ضرر نیست ولیکن کسی که در تهران

پنج سال طبابت کرده است بعضی تجربه پنج سال
 نمیشود اجازه داد بجهت اینکه کسیکه تجربه و
 ترکیب شیمیائی ادویه فرنگی ها را نداند خیلی
 نزدیک تر است بخطر و خطری است از آنکسی
 که پنج سال درده طبابت کرده است و دیگر آنکه
 در این ماده که میگوید کسی که بیشتر از پنج سال
 طبابت کرده است او را اجازه می دهند که چند سال
 دیگر طبابت بکنند و بعد تصدیق بگیرد اما کسی
 که در آذربایجان یا در شیراز مباشرت این عمل را
 کرده است چهار سال در آذربایجان چهار سال در
 سبزوار سه سال هم در تهران آنوقت شما آمده اید
 میگوید باید پنج سال در تهران عمل کرده باشد و
 این صحیح نیست یعنی اگر شما آمده اید پنج سال
 را تصدیق کرده اید دیگر چرا امتحان می دهید
 مباشرت عمل شش سال یا پنج سال یا دو سال در تمام
 نقاط یکسان است و اگر ما تصدیق میکنیم مدت
 عمل و مباشرت عمل را آنوقت من ترجیح می دهم
 آن کسی را که در ده سال مباشرت بطلب داشته
 بجهت اینکه او بنفشه را استعمال میکند که ضرری
 بر او مترتب نیست و اینکه در شهر مباشرت داشته
 داخل در ادویه میشود که اگر تجزیه و ترکیب
 او را نداند فوری میکشد او را و باز تقاضا میکنم
 و استعدا میکنم که قدری تأمل و توجه بفرمائید
 باین پیشنهادی که بنده میکنم که بخصوص در این
 ماده در آن ماده چندان اهمیتی نداشت در این ماده
 بخصوص نوشته شود که در تهران رادر ایران بنویسند

ذکاء الملك - بنده اصاری نمیخواهم بکنم فقط
 متوجه میکنم خاطر آقای لسان الحکما را اینکه مانع
 اعتبار در طبابت را ده سال تادمه سال را اجازه داده ام
 که بعد بیاید امتحان بدهد و اینکه فرمودند از این
 ادویه سبیه شاید اسبش بگوش آن شخص که در ده
 طبابت می کند نخورد باشد و این واسطه شاید که
 نتواند يك ضرر فوق العاده رساند و کسانی که
 در تهران يك چند مدتی طبابت کرده اند بسا هست
 که اسم ادویه را یاد میگیرند و شبیه و تجزیه و ترکیب
 دوها را نمیدانند آنوقت ممکن است ترکیبات قاطع
 بکنند و نسخه های غلط بدهند و ممکن است آن
 خطاها اسباب خطر باشد این خیلی صحیح است و در
 سایر شهرها شاید از این ادویه سبیه شاید بگوشان
 هم نخورد است اینها تصدیق میکنم در صورتیکه
 این اشخاصی که تحصیل طلب نکرده اند اسم از اینکه
 ده سال یا بیست سال باشد تصدیق میکنم این رادر
 صورتیکه ما فقط بکمدت طبابت را مجوز طبابت
 قرار بدیم چون باید يك مدتی هم طبابت کرده باشد
 و تجربه پیدا کرده باشد بندهم بیاید امتحان بدهد
 و تجربیات بدهد و همین جبهه خطرانی که فرمودند
 احتمال دارد دفع شود و اشخاصی را که تحصیل صحیح
 نکرده اند اگر میتوانستیم بکلی این قبیل اشخاص
 را ممنوع میکردیم و اجازه نمیدادیم ولو سی سال
 هم طبابت کرده باشند این بهتر بود لکن نمیشود
 بجهت اینکه هم مردم بآنها رجوع می کردند و هم
 يك وثوقی بآنها پیدا میکردند و هم خود آنها مدتی
 است مشغولند مانی و توایم آنها را مانع شویم بجهت
 اینکه شاید آنها هم نتوانند حالا ترك این کار را
 بکنند و تا یکدرجه مجبوریم والا اگر می توانستیم

این قبیل اشخاص را یکمرتبه ممنوع میکردیم و اجازه
 نمیدادیم این بهتر بود لکن نمیشود و همین اندازه
 هم اسباب میشود که این شخص برود يك قدری از علم
 طب را به بیست تا اینکه در آن مجلس امتحان او را
 قبول کنند باین جهت است که ده سال را قید کردیم
 که اطباءیکه ده سال طبابت کرده اند بندهم بیاید
 امتحان بدهند .

حاج شیخ اسدالله - بنده با این قانون
 پنج سال چنانچه عرض کردم مخالف هستم و این ماده
 را هم دیده بودم که آن عرایض خودم را در ماده
 قبل عرض کردم بعد از آنکه يك ترتیب صحیحی
 اینها را امتحان بکنند آنوقت مقید می کنند باینکه
 باید پنج سال یا بیشتر طبابت کرده باشند اگر پنج سال
 کمتر طبابت کرده باشند چهار سال طبابت کرده باشند
 در صورتیکه پنج سال علم طب تحصیل کرده باشد
 اجازه هم از معلم خودش داشته باشد و آن معلم هم
 از اطباء معروف طهران باشد و چهار سال هم عملیات
 را کامل کرده باشد امتحان صحیح هم بندهم چون
 پنج سال طبابت نکرده است نباید اجازه طبابت
 بساو داده شود بندهم قید این پنج سال را
 نمی دانم که برای چه مقید کرده اند نباید
 کمتر باشد ن عرضی که کردم که باید بعد از اینکه
 تصدیقات خودش را کرد از مدرسه بیرون آمد باید امتحان
 بدهد در هیئت متعنه و عملیاتش را هم که تکمیل
 کرده است همان مقدار کافی است و دیگر لازم بندهم
 پنج سال نیست .

ذکاء الملك - بنده همین قدر متوجه میکنم
 خاطر آقای حاج شیخ اسدالله را باینکه خوب
 مطالعه فرموده اند برای اینکه ملتفت نشده اند
 مقصود ماده را .

رئیس - مذاکرات کافی است يك اصلاحی
 شاهزاده لسان الحکما کرده اند که در ماده پنجم
 عرض لفظ در طهران در ایران نوشته شود .

لسان الحکما - توضیح دارم در این اصلاح
رئیس - در ضمن نطق خودتان توضیح دادید
 دیگر در مرتبه توضیح داده نمی شود .

حالا رای میگیریم باین اصلاح آقای لسان -
 الحکما آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می
 دانند قیام نمایند (قابل توجه نشد) .
 ماده ششم را بخواهند (بابت ذیل خوانده شد)
 ماده ۶ - اشخاصی که بیش از ده سال در
 تهران استمراراً مشغول طبابت بوده اند بهر حال حق
 دارند اجازه نامه طبابت بگیرند .

آقا شیخ اسدالله - اینجا می نویسد که هر
 کسی ده سال طبابت کرده باشد میتواند اجازه حاصل
 کند دیگر نمی نویسد آن شخص که طبابت کرده
 است دارای چه معلوماتی بوده باشد ممکن است
 بیست سال یاسی سال طبابت کرده باشد حالا برای
 اینکه ده سال طبابت کرده است باز هم مشغول طبابت
 باشد بنده اصلاً تجویز نمی کنم .

مانع گردید این نکته را باید ملتفت باشید که هر
 قانونی که وضع میشود فوراً میشود آنها بیکه از سابق بودند
 تمام را موقوف کنند و آنها را بگویند از حالا نباشید
 يك ترتیب تازه ایجاد بکنند چنانچه خوانده شد ما
 سه درجه قرار دادیم اشخاصی که کمتر از پنج سال و
 اشخاصی که بیشتر از پنج سال و اشخاصی که بیشتر از
 ده سال طبابت کرده باشند اینها هر کدام ترتیبی
 دارد و اشخاصی که بیشتر از ده سال طبابت کرده اند
 لابد اینها دیگر در هر صورت تجربیاتی و معلوماتی
 تحصیل کرده اند که بتوانند خودشان و مرضی شان را
 از آب بکشند دیگر نمیشود اول آنها را مانع شد
 مرضی را هم همانست کرد و يك کارهائی که که شود
 آنها را مجبور بانها کرد لابد بستی از آنها گذشته
 و بگویند را گذرانیده اند و نمیشود آنها را مجبور
 کرد بکار دیگر فقط از دو سال بپایین را محدودی بر
 ایشان معین کردیم یعنی به طبابت مداومت کرده
 باشند و بسایک شرط معلوماتی که باید داشته باشند
 و از دو سال باین طرف را دیگر نمی شود يك شرطی
 برای اقرار گذاشت .

حاج آقا - اگر چه مذاکره در این دایورت
 مواد راجع با آقایان اطباء است ولی بنده در این
 ماده متعجبم که همه ساکت هستند و هیچ نمی گویند
 آن مطالبی که در آن مواد گفته شد و گذشت تا
 يك اندازه صحیح است بجهت اینکه ممکن است
 ضرورت اقتضا بکند که در يك مرتبه مایک معجز
 ترتیبی داشته باشیم ولی این ماده بهیچوجه ضرورت
 دارد که ما بحکم ضرورت تصدیق کنیم این ماده
 را نه اینکه دلیل منطقی دارد چه بسا از طبیب هائیکه
 ده سال سهل است خیلی بیشتر مشغول طب بوده اند
 چون بدترشان مشغول طب بوده آنها هم مشغول بوده
 اند و آدم کشی کرده اند و هنوز يك چیزی که
 نمی شناسند میروند پیش آنها این هیچ دلیل نمیشود
 که چون این ده سال طبیب بوده و عمل کرده است
 و در يك کوچی نشته است این يك مقدار عملیات و
 تجربه حاصل کرده باشد کسی که هیچ ما به در يك
 مطلبی نداشته باشد اگر هم چندین سال در آن مطلب
 اقدام بکنند هیچ نتیجه صحیحی نمیگیرد لابد باید
 يك پایه و مایه داشته باشد در این کار پس بنده
 گمان میکنم که همان شرطی را که کرده اند در
 تحصیل مقدمات از مواد سابق همان کافی باشد با
 آن شرطی که در آن مواد اولیه کرده اند باینکه
 این ماده را حذف بکنند که هر کسی ده سال طبابت
 کرده است حکماً بساو اجازه بدهند اگر امتحان داد
 و واقفاً بداند يك مایه دارد که میتواند با امتحانات
 خودش يك تصدیق نامه بساو داد که تصدیق بساو
 می دهند دیگر لزوم باین ماده ندارد و این ماد را
 باید حذف کرد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد . ماده
 هفتم قرائت میشود .
 ماده ۷ - برای اینکه اشخاص مذکور در ماده
 پنجم و ششم این قانون بوزارت معارف معرفی شده
 مثلا این قانون را که ما آنجا دایر میکنیم نهایت
 بیست سال اگر بتواند این اجرا شود و بعد از بیست
 سال لابد بدرجات ترقی مملکت باین تغییر خواهند

رئیس - چون مخالفی نیست ممکن است
 که اینها در کمیسیون اصلاح کنند .
دکتر حیدر میرزا - عرض میکنم این قانون
 غیر از قانونهای دیگر است این قانون علمی است
 قانون علمی باید در مسائل علمی مملکت موثری باشد
 و علموی که در آنجا معمول میشود لازم است تجدیدش
 مثلا این قانون را که ما آنجا دایر میکنیم نهایت
 بیست سال اگر بتواند این اجرا شود و بعد از بیست
 سال لابد بدرجات ترقی مملکت باین تغییر خواهند

را بآن کمیسیون معرفی نمایند و کمیسیون مزبور
 مرکب خواهد بود اولاً از يك نفر از معلمین طب
 مدرسه دارالفنون ثانیاً از يك نفر اطباءى مرصی
 خانه دولتی ثالثاً از يك نفر از اطباءى مرصی خانه
 امریکائی رابعاً از يك نفر از اطباءى معروف ایرانی
 خامساً از يك نفر نماینده وزارت معارف که یکی
 از آنها رئیس کمیسیون خواهد بود اشخاص مزبور
 را وزیر معارف تعیین خواهد نمود .

حاج شیخ اسدالله - اگر چه بنده بآن
 ماده ۶ مخالف بودم ولی این ترتیبی که نوشته است
 راجع بنده هیچ صحیح است که این اشخاص باید
 باشند که اطباء در ظرف این چهار ماه بروند
 خودشان را آنجا معرفی بکنند و اما نسبت به ماده
 ۶ هیچ شرط و امتعانی قرار نداده است همین قدر
 می نویسد که باید ده سال طبابت کرده باشد و این
 که این هیئت معین بکنند دوازده سال اینجا طبابت
 کرده است این را باید خود وزارت معارف معین
 بکنند که این ده سال طبابت کرده است یا غیر نسبت
 بداده شش این هیئت لازم نیست .

دکتر علیخان - اینجا که فرمودند این
 کمیسیون لازم نیست لازم است برای اینکه این
 کمیسیون فقط برای این نیست که ببیند که این
 شخصی ده سال طبابت کرده است یا غیر این کمیسیون
 برای اینست که تصدیق کند و آن اجازه نامه که
 معین شده است وزارت معارف بدهد و آنرا کمیسیون
 خواهد داد باین جهت است که این اعضائی که
 در این کمیسیون معین شده است که این اعضا چه
 اشخاصی باید باشند و نظر به صلاحیت است بجهت این
 که هر کدام بکنند مخصوصی خواهند داشت که ببینند
 در واقع ده سال طبابت کرده است و آن تصدیقی
 که از اطباءى معروف در دست دارد از طبیب معروف
 است قابل ملاحظه است و هم بنظر امریکائی و
 طبیب دولتی باید بدانند که فایده ملاحظه است فقط
 برای این نیست که ببینند بنده ده سال طبابت کرده است
 یا غیر این ماده لازم است

مهزاملک - مخالفت بنده در این ماده در
 واقع راجع بخود ماده نیست راجع باین است در
 ماده قانونی نباید نوشته شود که ثانیاً بکنند از اطباءى
 مرصخانه امریکائی این را که در قانون نوشتن بقیه
 بنده گویا لزومی ندارد بجهت اینکه ممکن است
 فردا مرصخانه امریکائی بسته شود و باینکه طبیب
 درستی نداشته باشد که دعوت بکنند یا يك مرصی -
 خانه دیگری که معروف باشد و الا بالاخره مربوط
 خواهد شد بنظامنامه داخلی و در آنجا این باید قید
 شود لکن در این قانون نوشتن خوب نیست
رئیس - چون مخالفی نیست ممکن است
 که اینها در کمیسیون اصلاح کنند .

داد این در امری کردم که این قانون چون علمی است ممکن است تغییر بکند بجهت اینکه قانون علمی در این موارد مخصوص موقتی است و نسبت باوقایع و ترقی علوم اصولش تغییر بکند حالاً که این اسم امریکائی را بردارید و چیز دیگر جایش بگذارید باید بمقتضیات تربیت و تعلم علمی معطی باشد.

معاون وزارت معارف - این فصل اصلاحیه ملاحظه نوشته شد و عرض میکنم اینکه باید قانونیت داشته باشد دائمی نیست که تا مدت متمادی باشد نیست نوشته شده است که مدت چهار ماه متفصل خواهد شد و نظرو وزارت معارف در موقتی که این فصل را نوشته است این بود چون این اشخاصی که برای گرفتن اجازه نوشته شده است یک اشخاصی هستند که از این شقوق خارج نیستند یا اشخاصی هستند که در مریضخانه پنکی دنیائی هستند که معنی آنجا بوده اند یا اشخاصی هستند که از مریض خانه دیگری خارج شده اند یا اشخاصی که از مدرسه خارج شده اند یا اشخاصی که در شهر پیش اطباء معروف این شهر علم و عمل تحصیل کرده باشند شهادت و تصدیقی دارند پس اینکه فید شده است که از این چند جا باشند باین جهت بوده است که اینها معروف خواهند بود که بآن اجازه و تصدیق نامه رسمیت میدهند تصدیق بکنند که واقف این اشخاص در آن مریضخانه یا آن مدرسه بوده و تحصیل کرده اند یا اخیر رفته از چهار ماه اصلا این کمیسیون متفصل خواهد شد و بعد از آن ماه آن کمیسیون امتحان منقد خواهد شد اینها قانون دائمی نیست که در اوقات وغوری شود.

رئیس - مذاکرات کافی نیست (اطهارد کافی است) ماده ۸ قرائت میشود.

ماده ۸ - از تاریخ نشر این قانون تا مدت سه سال هر سال دو نوبت در بهار و بهار و تابستان کمیسیون در وزارت معارف منقد خواهد شد برای اینکه مطابق ماده ۵ این قانون اشخاصی را که بیش از پنجسال و کمتر از ده سال در تهران طبابت کرده و هیچ نوع تصدیقی ندارند خود را به کمیسیون مکتور در ماده قبل معرفی نموده اند به مرض امتحان در آورند کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود اولاً از دو نفر از اطباء ایرانی معروف ثانیاً از یک نفر طبیب اروپائی از مریضخانه دولتی و یک نفر از مریضخانه آمریکائی ثالثاً معلمین رسمی طبی دارالفنون رابعاً یک نفر نماینده وزارت معارف که رئیس کمیسیون خواهد بود تعیین اشخاص مذکور با وزیر معارف است.

معاون الملک - اگر چه ماده گذشته را بتوان اینک موقتی است توضیحاتی دادند ولی تصور میکنم که آن توضیحات هیچ تعلقی هم نماده ندارد و باز هم بنده تکرار میکنم عرض خود را که در قانون مخصوصاً تعیین کردن يك با دو نفر از اطباء آمریکائی این هیچ موضوعیت ندارد هیچکس نمیگوید که از مریضخانه آمریکائی دعوت نکنند خیر معالذات بکنند لکن در اینجا میفرمایند یک نفر طبیب از مریضخانه آمریکائی زیرا ممکن است که مریضخانه آمریکائی بسته شود و مطابق این قانون حتماً باید مریضخانه آمریکائی را نگاهدارند که یک نفر از آنجا باید تصدیق بدهد.

ذکاء الملک - این ماده را در کمیسیون اصلاح میکنیم.

رئیس - یعنی مسترد میکنید این ماده را. (ذکاء الملک - بلی.)

ماده ۹ - در اول هر سال صورت اسامی اشخاصی که اجازه نامه طبابت با آنها داده شده با موجدات حصول اجازه نامه بتوسط وزارت داخله اعلام خواهد شد.

رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود).

ماده ۱۰ - بعد از انتشار این قانون طبیبی برای امور سببه و طبیبی در ادارات دولتی مستخدم و اجیر نخواهد شد مگر اینکه بموجب اسناد مذکور در ماده دوم دارای اجازه نامه طبابت باشد.

آقای محمد پروجردی - بنده چون اینرا هم با ماده دوم متحد المال مبینم این را بکلی زائد میدانم فقط اگر سه کلمه اضافه شود با ماده کافی خواهد بود و این لقب خواهد بود بجهت اینکه آنرا میگویند هیچکس در تهران حق طبابت ندارد مگر اینکه از وزارت معارف اجازه نامه گرفته باشد بعد از دویم هم تشریح میکند که اجازه چه جور است اینها منویسد بعد از انتشار این قانون هیچ طبیبی در ادارات دولتی مستخدم نخواهد شد مگر اینکه بموجب اسناد مذکور در ماده دوم عرض میکنم هیئتقدر آنجا نوشته شود بعد از این جمله که در تهران حق طبابت ندارد (نوشته شود) و نمیتواند در ادارات دولتی مستخدم و اجیر شود مگر اینکه بموجب اسناد این سه کلمه کافی است.

ذکاء الملک - آنطور که بنویسیم مقصود حاصل میشود چون وزارت معارف بعد از اینکه این قانون تصویب شد و از اینجا گذشت اجازه نامه خواهد داد بجهت طبقه از اطباء یکی از آتھائی هستند که تصدیق نامه طبیبی ایران یا خارجه را دارند یکی از آتھائیکه بیش از ده سال مستمر آدر تهران مشغول طبابت بوده اند و لول اینکه تصدیق نامه ندارند یکی آتھائی که کمتر از ده سال و بیشتر از پنجسال طبابت کرده اند و حاضر میشوند برای امتحان اینها مقصود این است که دولت در ادارات خودش از آن اطباء اختیار خواهد کرد که فقط اجازه نامه دارند لکن از آن اطباءی اختیار خواهد کرد که اجازه نامه طبابت بموجب ماده دوم دارند یعنی آتھائی که در مدرسه دولتی ایران یا مدارس دولتی خارجه تحصیل کرده اند آتھائی که اجازه نامه طبابت میگیرند آنها را دولت بخدمت خودش قبول نخواهد کرد.

رئیس - گوید بیکر مخالفی نیست (اطهار شد خیر.)

ماده ۱۱ - وزارت داخله مراتب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون از چهار ماه بعد از نشر آن بوقوع اجرا گذاشته شود.

آقای کبیر - بنده هم وقت يك قانونی اینجا خواسته است وضع شود عرض کردم که باید يك مجازاتی برای آن در آن قانون معین شود بجهت اینکه ما همیشه منتظر مجازات هستیم و متأسفانه مرض میکنم که اینجا نوشته است وزارت داخله مراتب خواهد کرد.

رئیس - اینجا موقع او نیست اگر هم لازم باشد يك ماده پیشنهاد میکنید.

ذکاء الملک - گوید مجازات لازم داشته باشد **رئیس** - وقتی که پیشنهاد کردند جواب بفرمائید.

شود اول این قانون تمام شد حالا راپورت کمیسیون بودجه راجع بعقوف قونصول ادسا قرائت می شود.

[راپورت مزبور ببارت ذیل قرائت شد]

بشاریخ ۱۸ شهریور الحاضری ۱۳۲۹ در کمیسیون بودجه لایحه وزارت خارجه راجع بکار گذار ادسا قرائت وزارت خارجه ماهی دوست تومان اعتبار بری کار گذار ادسا خواسته بودند کمیسیون با اکثریت عین پیشنهاد وزیر را تصویب می نماید.

رئیس - چون آقایان کوش نهادند بیک مرتبه دیگر قرائت میشود (مجدداً قرائت شد)

آقای مشیر حضور مخالفند - غیر موافق - آقای شبلی بنده هم موافقم.

رئیس - پس مخالفی نیست رای میگیریم آقایانی که با راپورت کمیسیون بودجه که ماهی دوست تومان برای حقوق قونصول ادسا تصویب کرده موافق هستند و رفته سفید خواهند انداخت و آتھائی که مخالفند روزه آبی خواهند انداخت.

[در این موقع شروع باغض آراء کردید آقای حاج میرزا رضا خان احصاء نمود رفته سفید ۶۱ آبی نداشت امتناع ۱۴ با اکثریت ۶۱ رای از ۷۵ نفر تصویب شد.]

[اسامی تصویب کنندگان]

فهیمل الملک . آقای میرزا ابراهیم خان . معاضد الملک . حاج میرزا رضاخان . نجم آبادی . معتمد الملک . حاج عز الملک . حاج سید ابراهیم . آقا میرزا رضا خان نایبی . فرات . عز الملک ضیاء الملک . آقا شیخ غلامحسین . حاج سید نصرالله معتمد التجار . آقای میرزا فاسخان . اعصاب الملک بهجت . طباطبائی . حاج آقا سعید الاطباء . مشیر حضور . افتخار الواعظین . آقا میرزا مرضی فلی خان . آریاب کبیر و . حاج محمد کریم خان قشقای آقامحمد پروجردی . آقامیرزا رضای مستوفی . آقا سید جلیل . منتصر السلطان . آقامیرزا احمد آقا سید محمد رشیدمانی . آقا میرزا داودخان مساوات . آقا سید حسین گزازی . حاج شیخ علی آقا سید حسین اردبیلی . لسان العکماء . آقامیرزا ابراهیم فلی . دکتر جید میرزا . دکتر علی خان . دکتر احمد میل خان . آقا شیخ علی شبلی . حاج صدق الملک . معاضد السلطنه . صدر العلماء . نظام العکماء . آقا شیخ ابراهیم زنجانی . سلیمان میرزا آقا میرزا محمد . نجات . هشترونی . وحید الملک حاج شیخ الرئیس . محمد هاشم میرزا . ابوالقاسم میرزا . آدینه محمد سخان . علی زاده . دکتر امیر خان متین السلطنه

رئیس - آقای بهجت در باب معادن فقط از وزیر خارجه استثنائی داشتید بفرمائید

بهجت - البته خاطر آقایان مسیوق است و یقین آقای وزیر خارجه هم مسیوقند که مکرر در اجاب این مسئله بنده استثنائی نمودم تقریباً شش سال

بیش از این يك شیخ خارجی آمد يك امتیازی گرفت از دولت ایران راجع بمعادن نفت جنوب و مطابق آن امتیازی که گرفت يك شرایطی قرار داده و يك حق برای دولت منظور شده است سواد آن امتیاز نامه را هم گرفتیم در آن کمیونی که برای اصلاح امر عربستان تقاضا کرده بودیم منقد شد چاپ کردیم به نظر همه وسائیدیم مطابق راپورتهائی که می رسد از عربستان بعضی راپورتهائی که از لندن می رسد کمیانی بشرايط امتیاز نامه رفتار نمیکنند و حقوقی که از برای دولت باید منظور شود نشده است این يك سوالی بود که مکرر شد و در این جا از طرف فوائد عامه تردید می شد بوزارت خارجه و از وزارت خارجه تردید میشد بوزارت فوائد عامه و خیلی بنده لازم می دانم که در این باب توجهی خاص شود و يك کمیسی هم که در آنجا شرط شده است که باید مخصوصاً در آنجا باشد و ناظر اعمال کمیانی باشد و در آنجا هیچ اینکار نشده است باید مخصوصاً مرکز این کمیسی در لندن باشد بلکه نظرات آن کمیسی باید متوجه باشد باعمال همه کمیانی که متعقد میشود اینکه عرض میکنم کمیانی چون در آن امتیاز نامه قید شده است که چندین کمیانی راجع باین معادن نفت آن صاحب امتیاز اولی ناسیس بکنند و هر نظامنامه که نوشته میشود بایستی بنظر دولت ایران بچسد مثلا نظامنامه که برای همین کمیانی فقط نوشته شده است گمان نمی کنم بنظر دولت رسیده باشد و این يك شرطی است که در آنجا شده است همچنین عملیات باید تمام ایرانی باشند و چه باشند اینها شرایطی است که وزیر خارجه البته مسیوق هستند حالا بنده سئوال خود را راجع بیک مسئله میکنم که آن مسئله کمیسی است که چه اقدامی فرموده اند در تشکیل آن کمیسی که ناظر اعمال این کمیانی باشد در آنجا که يك تجاوزانی نشود چون مسکن نیست که مالزاهائی آنجا کسب اطلاع بکنیم باید يك کمی باشد که تقشش بکنند از عملیات کمیانی یعنی آنجائی که محل عملیات کمیانی است یعنی آنجائی که دفترش و مرکز شرکت او است آیا در این خصوص اقدام شده است یا خیر سیم نفون وضع آتھئی که کشف شده و بالون طیاری که آورده اند آنجا آیا این حق را داشته اند یا نداشته اند تمام را میگذارم فقط توجهی می کنم سئوال خود را بهمین مسئله تشکیل يك کمیسی که دارای دوشمه باشد باید و کمیسی باشد چون در آن امتیاز هیچ منافاتی ندارد که یکی در لندن باشد و یکی در عربستان که ناظر اعمال معدن نفت باشد در ماشین این کمیسی از وزارتین فوائد عامه و خارجه اگر اقداماتی شده است معلوم فرمائید وزیر خارجه مسئله کمیانی فقط مسلم است که راجع بوزارت فوائد عامه است ولی در بعضی مطالبی که آقای بهجت فرمودند جواب مرض میکنم بنده هم آن نقطه نظر را تصدیق می کنم که بایستی کمیسی را اگر چه در لندن اهمیت دارد که در آنجا باشد ولی يك شبه هم باید در محل باشد در این موضوع يك کمیسی که ما در تهران داریم که ناسیس شده است مجلس مسئله امتیازات این امر را بآنجا رجوع کردیم که ملا طاعت خورشان را

بکنند و اگر چیزی از شرایط فرو گذار شده است پیشنهاد بدولت کنند از کار گذاری مرستان هم در مسائل راجع بکمیانی نفت و آن وظائمی که در کنترات آنها هست که بایستی رعایت شده باشد و تقشش شود اطلاع خواسته شده و آنچه که از آنجا خبر رسید که وارد کرده اند فوراً مغایر شد ببلندن که توفیق کنند و رعایت نمایند جواب دادند که این مسئله بدون اطلاع کمیانی بوده است امر بفرمائید توفیق کنند هم احکام صادر کردیم که این بدون اطلاع کمیانی و اجازه دولت بوده است اجازه ورود ندهند و در سایر مسائله راجع باینکار هم در وقتیکه اطلاع داده اند آنچه راجع بوزارت فوائد عامه اقدام شده و آنچه تلگراف بلندن بایستی بکنیم کرده ایم چون مذاکرات اسامی این مسئله غالباً در لندن می شود بدون يك کمیسی در لندن لازم است و بودن يك کمیسی در محل آنرا هم وزارت خارجه تصدیق دارد و يك مذاکره هم با وزارت فوائد عامه شده است آن کمیسیونی هم که در اینجا داریم برای امتیازات با آنجا هم راپورت داده شده است و با هم در تکمیل نواقص او کوشش دارند در باره مأمور محلی هم باید يك تفکری کرد که به بینیم آن مأموری که در محل هست باید اهمیتش بیشتر باشد یا آنکه در لندن است باید اهمیتش بیشتر باشد در موقع مذاکره با آن کمیسیون مذاکره می شود شده جلاله در این باب آنچه وظیفه وزارت خارجه است کوتاهی نشده است با آنجا و بلندن هم تعلیمات داده شده است فرستادن مأمور را هم با آنجا لازم می دانیم این مطلب هم در تحت مذاکره است تا به بینیم نتیجه مذاکرات کمیسیون در این باب چه میشود و البته آنرا بوقع اجرا خواهیم گذارد.

بهجت - چون بعضی اطلاعات که از غیر مجرای رسمی باشد نمی شود مورد سئوال و استیضاح قرار داد باین جهت بود که بنده سئولات خودم را فقط متوجه کردم بیک مسئله قانونی برای این که اینجا عقیده خود را باینجا عرض کنم که کمیانی از شرایط خودش تجاوز می کند و کرده است این يك چیزی است مسلم برای اینکه اخبار صحیح متواتر از اشخاص بی غرض رسیده است و چیزهایی که خود دیده ام و عقیده ام این است که تا دولت يك اداره و مأمور رسمی آنجا نداشته باشد نمی تواند سئوال کند که این کار شده است و بدیهی است کار گذار که آنجا نیست یعنی اگر کار گذاری مجرمه است تا آنجائی که کار میکنند اینجا فرسخ راه است و از فراری که بما غیر رسیده است کار گذار مراده چندان هم ندارد که صورت بگیرد از آنجا که ما توانسته باشیم آن مخالفت هائی که کمیانی کرده است مورد سئوال بیآوریم بنده یقین دارم که اگر هیچ چیز شد دیگر سئوال و استیضاح نخواهد شد و الا کمیانی خیلی تجاوزات خواهد کرد و خیلی تجاوزات هم کرده است و بنده لازم است عرض کنم که مخالف شروط شده است من جمله مسئله عمل است که در جزیره (آبادان) ۱۲۰ عمده هندو آورده و حال هم آنجا هست هیچ حق هم ندارد بنده این راهم مورد سئوال خود فرار نمی دهم در همین مسئله که فرمودند زودتر اقدامات خودشان را به فرمائید که از این تجاوزات کمیانی جلوگیری شود

وزیر خارجه - این مسئله صحیح است اساساً و لکن بنده خواهش میکنم اشاعه اینکه میدهند وضیح است و مطلع می شوند که واقع شده است آن را توضیحاً بوزارت خارجه اطلاع بدهند بجهت این که شاید بسا باشد که واقع میشود و آنجا مجهول است و باید اقدام بشود بجهت اینکه وقتی که مجهول است نمیشود اقدام کرد و در باب عمده اظهار سازی شده بسود و از آن جفا تحقیقی شد صورت عملجانی را که از آنجا فرستاده اند در وزارت خارجه محفوظ است بکده از آن عملجانی که در آنجا هستند و کار میکنند ایرانی هستند ولی يك عمده هم عملجات از هندو و عثمانی هستند ولی کلیه عمل ایرانی هستند صورت مورد وزارت خارجه هست آنهائی را که از خارجه آورده اند باسم اینکه بلدکار هستند آورده اند تمام این صورت معین است و حاضر است در وزارت خارجه

رئیس - آقای وحید الملک راجع بتلگرافات والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه استثنائی داشتید.

وحید الملک - بنده این سئوال خودم را در شانزدهم ربیع الاول تقدیم هیئت رئیسه کردم ولی متأسفانه تا بجا بل تأخیر افتاده است گفته میشود که بعضی تلگرافات والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه که از اروپا در زمان وزارت خارجه سابق حسین قلی خان نواب بتوسط وزارت خارجه رسماً بمجلس شورای ملی معایره فرموده اند و همچنین مرتباً رسانیده اند از آقای وزیر امور خارجه سئوال میکنم که اولاً به دوسیه وثبت های وزارت خارجه رسیده کی فرموده اند وثائمی می توانند بفرمایند که آیا این انتشارات سابق است یا اینکه کذب است از روی رسیدگی بدوسیه و اسناد وزارت خارجه جواب این سئوال را بفرمائید

وزیر امور خارجه - اینکه آقای وحید الملک اظهار میفرمایند که همیکوبند « بنده ندانستم کی بجهت اینکه اخبار اراجیف را اگر بخواه نامه معیت بدهند شاید خیلی کارهای دیگر هم بمیان بیاید بنده این مسئله را که نسبت ببنده به آقای نواب که تلگرافاتی بایشان رسیده باشد و تلگراف راجع مجلس شورای ملی نشان نداده باشد تکذیب میکنم خیر ایشان تلگرافات را داده اند و در هیچ موردی گفته نشده است که وزارت خارجه آن تلگرافات را نداده است شاید گفته شده است با بعضی از آقایان و کلا گفته اند که آن تلگرافات را ندیده ایم این ربطی باین ندارد که وزارت خارجه وظیفه خود را بعمل نیاورده باشد وزارت خارجه که وظیفه اش رساندن و کشف تلگرافات بوده اینرا انجام داده است و بنده بعد از اینکه در این باب گفتگو شد بالغضوص تفحص کردم و تمام تلگرافاتی که از والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه رسیده بود در کتابچه کردم یکی را برای مجلس و یکی را برای خود حضرت اقدس آقای نایب السلطنه فرستادم و معلوم شد که تمام تلگرافات رسیده است و وزارت خارجه تمام وظایف خودش را بعمل آورده است حالاً شاید بعضی از آقایان نمایندگن در آن مجلسی که

خوانده شده است غایب بودند این دینی وزارت خارجه ندارد .

افتخار واعظین - در مجلس خوانده شد .

رئیس - آقای خیابانی راجع به مرعین بحر خرد سؤالی داشتند بفرمائید .

خیابانی - بنده تقریباً چهار ماه است که وزارت خارجه در خصوص غرق شدن بحر خرد سئوال کردم و تقریباً سیصد نفر غرق شده بودند و از فرادادی که با کمیابی داشتند بایستی مبالغ کلی بآنها عاید بشد چون دو هفته سئوال کردم از فرادادی که معلوم شده است اقدامات کافی در این باب نشده است لهذا این دفعه منصرف شده بودم از سئوال باز برای ملاحظه حال وراث آن قرضه سئوال میکنم و میخواهم ببینم در این مدت از وراثت خارجه چه اقدامی شده است و در خصوص این پول بقرا و وراثت آنها چه عاید میشود .

میر کردی گویا اشخاص رفته اند بطرف اردبیل که بطور مخفی خودشان با ورنه يك قراری بدهند این راهم در وزارت خارجه ملتفت خواهد بود .

رئیس - آقای ادیب التجار راجع به عبارت معتمد خاقان سئوالی داشتند بفرمائید .

ادیب التجار - چند دفعه در اینجا بعضی از نمایندگان معتمد در باب مجازات قتل مرحوم صنیع الدوله وضرب معتمد افاقان حاکم اصفهان و قاتل عبدالرحیم خان پسر هموی معتمد خاقان از وزارت امور خارجه سئوال کرده اند و بنده هم در این خصوص چند مرتبه زحمته داده ام و وزارت خارجه نوشته ام و فرمودند عنقریب مجازات آنها داده خواهد شد حالا از آقای وزیر امور خارجه سئوال میکنم چه اقداماتی در مجازات آنها شده و کلیتاً مجازات بکجا نتیجه بخشیده است اگر مسامحه در این خصوص هم کرده باشید کم کم بجهت حکام و مأمورین دولت اسباب و من و معذرت بفرست کار میشود اقدامات خودتان را بفرمائید تا مسبوک شوم .

وزیر امور خارجه - سئوالی که فرمودید صحیح است اما اینکه فرمودید اقدامی نشده است بنده نمیدانم اینرا دیگر از چه رو اظهار فرمودند از روزیکه این مسئله واقع شد وزارت خارجه با بطردی و وجه باخورد معمل هر چه توانسته است مذاکره و اقدام کرده است و حتی مأمور ولاد فقار را که در این امور بصیرت داشت مأموریت داد که در این خصوص اقدامات کند از هم هر چه لایزمو باقتضای میر نوری داخل مذاکرات شود صورت را بفرمائید بفرستاده است در وزارت خارجه حاضر است بالاحرحه فرار بر این شد که وراثت میر نوری و خانواده های خودشان را بفرستند در باب حق آنها ملاحظه و احقاق حق بشود و به ایالت اذربایجان و حکومت اردبیل و کار گذاری اینجا گامهای مهمات داده شد که در این باب تحقیقات کمالاً بکنند و صورت و کلمات آنها و اسنادیکه لازم بود فرستاده شد به فرستند برای ولاد فقار نتیجه احوالات حاصل خود چون صریح تاخیر کردند بالعصوم بنده تلگراف کرده ام ولاد فقار که میرزا صادق خان که کار گذار اینجا است با تعینات قانونی که دارد و صورت و کلمات نامه که بایستی تهیه بشود و وراثت آنها بتوسط کار گذار این احوالات خودشان را بفرستند و آنچه در دست است اسناد برای ولاد فقار تهیه کنند و مطابق تلگرافی که پس رسیده آن آدم اینجا رسیده است و بحکومت اردبیل در کار گذار اینجا تعینات دادم که کمال همراهی را با آن شخص میفرماید اینجا بکنند و در وزارت اسناد این کار را تدارک بکنند نه از برود هم در بطردی و چون هم در ولاد فقار این مسئله در لاجل جدت منظور است منتهی در آن مسافرت وجهی که بایستی مطابق قانونی که اینجا دارند و باید بدهند بفرستند لهذا آقا معتمد را بفرمائید و در این باب اقداماتی کردیم که اسنادشان معتبر باشد و بنوا بفرستند بهترین برای وراثت بکیریم و امیدواریم با این ترتیبات و مداریکه شده است نتیجه مطلوبه بزرگی حاصل بشود و البته بعد از آنکه احقاق حق آنها شد به عرض مجلس خواهد رسید .

است در این مجلس مذاکره میشود و بطوری که گفتگوی مستعینم خارجه شد تنها برای یک وزارت خانه نبود بلکه بنا بود که برای همه وزارتخانهها باستانای وزارت جنگ که بنا بود بعد پیشنهاد بشود و هنوز پیشنهاد نشده است مستعینم خارجه بیایورند و عیالنا آنچه معلوم است فقط اقدامیکه شده است و نتیجه ک داده است فقط برای مالی بوده است و برای مستعینم سایر وزارتخانهها که بعضی از آنها خیلی اهمیت دارد که از آن جمله است معارف که یقیناً يك مستخدم کافی خیلی صحیحی لازم دارد و به نظر عدلیه که لازم بود يك اقدام خیلی سریعی شده باشد نتیجه داده باشد باین جهت از آقای وزیر امور خارجه سئوال میکنم که آیا در این خصوص اقدامی شده است یا خیر .

وزیر امور خارجه - در باب مستعینم خارجه آنچه راجع به وزارت معارف بود هنوز در باب مستعینم وزارت علوم تقاضا و امری صادر نشده بود که اقدام نشده باشد فقط از مستعینم کسبیکه باقی است غیر از آمریکانها که وارد رشت شده اند و حرکت هم کرده اند مستعینم زاندازمیری و وزارت داخله و صلیبه است آنچه متعلق بژاندارمری است آنها هم ملشان تم شده کارشان حقوقی است که برای آنها تعیین شده است و بر روی راپورت آن سفارت پارسی رسید نظر هیئت وزراء بکنند زیرا بود این بود که مجدداً تلگرافی بپارسی در باب حقوق آنها شد که حالاً هم میگویم اگر آن میزانی که تعیین کرده اند مجلس تصویب بکنند تلگراف میشود که کارشان را تصویب کرده بوری سر نت کنند اینجا بکسبیکه سلطان در نوبت ارسول برای ژاندارمری نباشد تصویب بکنند اینجا را دیده اند و ترتیب داده اند و بوی هم شده است چیزی که در اینجا عمل نکند بود این بود که برای سندان بیست هزار فرانت برای بواب هر یکی دوازده هزار فرانت تعیین کرده اند که سه مقابل مواجعی است که در سوند با آنها میبندند یعنی در سوند لویا هفت هزار و پانصد فرانت بسلطان میبندند و بیست و دو هزار فرانت پیشنهاد کرده اند و سفارت سوزان فرانت را سر کرده است و بیست هزار فرانت را بوی کرده است بطهران اطلاع بدهند برای بواب هم بلی دوازده هزار فرانت برای تعینات معادن مسافرت هم وجهی خواسته اند که انرا سعادت فرار داده است اینرا بطهران رجوع بکنند یعنی بعد از ورود آنها بطهران هر صورت که سایر مستعینم بلسبه رفتار میشود برای آنها هم در مورد دیگر بفرستند و در مسافرتی با آنها اظهار بکنند آن حرج مأموریت مسافرت و تفاوت را منظور بکنند و يك عین اسب هم بفرستند این بود که هیئت دولت برای نواب دوازده هزار فرانت برای سلطان تا هیجده هزار فرانت تصویب کرده اند و عین هم بفرستند خودشان تفاوت حرج مسافرت هم بفرستند و بطوری که بطهران مطابق ترتیباتی که با سایرین رفتار میکنند با آنها هم منظور بفرستند و تلگراف هم کرده اند منتظر سفارت پارسی را تصویب میکنند دیگر انتظاری بود رد و اقدام در رده را تصویب بفرمائید و تمام بفرمائید شاید آنهم دوسه روزه جوابش برسد در باب مستعینم عدلیه و وزارت داخله آنچه راجع به مستعینم بود که از مصر تقاضا شده بود که بیایورند شرحی از اسلابول در مقابل این اظهار دولت جواب نوشته و آنرا در

چندی قبل بمجلس شورای ملی فرستادم و در آنجا نکاتی منظور کرده بود که آن خیلی محل ملاحظه بود بایستی آن کافیه بکنند رسیده است در کمیسیون ملاحظه بشود و هر طوریکه مقرر داشتند از آن قرار اقدام شود و آنچه از فرانسه برای عدلیه و وزارت داخله خواسته بودیم بعضی مشکلات و تاخیرات دچار شدیم که بالاخره آنها هم در تهران بمانند که ما با شازدهان فرانسه و هم در پارسی سفارت ایران اقداماتی کرده است که آن مسئله هم حل شده و مطابق تلگرافیکه با وزارت مختار السلطنه سه روز پیش رسیده حل این مشکل را کرده اند و برای آن دو نفر هم ناسی هزار فرانت تقاضا کرده اند دولت سوزان فرانت را هم زیاد دادند و تلگراف کرده اند که تا بیست هزار فرانت فرار بدهند و جواب بگویند این است نتیجه اقدامات و منتظر خبر ثانوی هستیم .

دکتر علیخان - آنچه که مربوط به حقوق مستعینم خارجه است که آقای وزیر امور خارجه اقدام کرده اند مورد کمال تسکین و تشکر است مخصوصاً از طرف بنده که همیشه اظهار میکردم ام که حقوقی به مستعینم خارجه داده میشود بنده زیاد میدانم و باید سهلتر و کمتر گذرانید و آنچه که راجع به مستعینم برای سایر ادارات از آن جمله برای وزارت معارف فرمودند که بنا نبود خواسته شود روزی که پروگرام وزراء خوانده شد و تصویب شد یکی از مواردش این بود که مستعینم خارجه خواسته شود و اینکه بنده عرض کردم که این اقدام شده است یا نشده است فرض بنده این بود که آنها را هم که هنوز خواسته اند آنها را لازم میدانم که بخواهید برای وزارت معارف و قوا و احوال و به نظر برای سایر وزارتخانهها و اقدام خواهد فرمود یا اینکه لازم میدانید و از این مطلب بکلی صرف نظر کردید .

وزیر امور خارجه - بنده تصور می کنم که دولت لازم میدانند و اینکه بنده اینجا عرض کردم راجع به عدلیه بود که در مجلس شورای ملی تصویب شده بود و امر کرد که خواسته شود و عرض کردم که برای سایر ادارات امری نشد و مجلس تصویب نکرد تا اینکه هیئت با دولت آنها نخواهد و آنطور می نکرده است که آقای دکتر بفرمائید هیئت دولت باین عقیده هستند که برای ادارات باید مستعینم خواسته شود و برای وزارت داخله هم با تخصصی که برای نظمی لازم دارد کمال اهمیت را مینهد .

رئیس - يك سئوال دیگر هم آقا میرزا احمد راجع بقتله مرحوم صنیع الدوله هست .

آقا میرزا احمد - جزو دیگری هم دارد .

رئیس - در ضمن سئوالانتان بیان میکنید .

آقا میرزا احمد - سئوال بنده مشتمل بر دو چیز است یکی راجع بقتله بود که جواش را فرمودند يك چیز دیگری هم داشت راجع به بحر کین آنها همان دلالتی که فرمودید این دفعه خیلی وقته اسفناک و بزرگی است این است که سئوال میکنم نسبت به بحر کین آیا اقدامی شده است و چیزی معلوم شده و آیا میشود دوسه روزه این کار را تقدیم

مجلس بکنند که وکلا ملتفت شوند که معرک این کار که بوده است و اگر این ممکن است بنده تقاضا میکنم که تقدیم مجلس بشود .

وزیر امور خارجه - دو مسئله معرکین آنروز که اینجا عرض کردم يك اشاره کردم که وزارت خارجه باینکه تلاش کرد که معرکین با یکدیگر با یکدیگر بدست بیایورند و فیتی حاصل کرد و الا آن آدمهایی که مر کب این عمل بوده اند معلوم بودند با واقعاً و حقیقاً خودشان تصدیق این عمل شدند چیزی از ایشان معلوم نشد و دوسه ابتکار هم در وزارت خارجه موجود است البته اگر مجلس شورای ملی که چیزی بر او پوشیده و پنهان نیست تقاضا کند حاضر است که بیایورند و در کمیسیون ملاحظه بکنند و بعد وزارت خارجه بفرستند ملاحظه شود از طرف وزارت خارجه در اینکار مانعی نیست بسته برای مجلس است .

رئیس - پیشنهادی است از طرف وزارت معارف از تقاضای یک نفر طبیب برای مدرسه دارالفنون فرستاده میشود بکمیسیون معارف پیشنهادی هم از طرف آقای ارباب کبیر و شده است در قانون طبابت میخوانند و رای گرفته میشود (بعبارت ذیل فرات شد)

بنده پیشنهاد میکنم در قانون طبابت کمیسیون معارف تصویب وزارت معارف ترتیبات مجازات را هم همین نمایند .

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (ثواب قیام نمودند)

با اکثریت قابل توجه شد - خاطر آقایان را متذکر میسازم که در چند جلسه قبل اینجا يك نفر برای ارسال لوابیح تشکر بجناب اشرف انتخاب شده بود ولی اکثریت تمسک بود این است که آقایان قبل از تشریف بردن بکنند را موافق معمول انتخاب بکنند و تشریف برند دستور سه جلسه آتی هم از این قرار است - دستور پنجشنبه دوازدهم قانون ثبت اسناد و قانونیستی دستور سه شنبه چهاردهم راپورت کمیسیون بودجه راجع به اهرام شاکر در فرنگ - ابشار راپورت کمیسیون بودجه در خصوص حقوق داوود خان مجاهد قانونیستی دستور سه شنبه ۱۷ - راپورت کمیسیون بودجه در باب موزه و مدرسه سیاسی و کتابخانه - راپورت کمیسیون بودجه راجع به تصفیه مالیات صنف دیباغ و صیباغ کاشان .

آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده تقاضا میکنم که راپورت کمیسیون بودجه راجع به سبیلگی قشک فروش جزو دستور شود .

رئیس - اینرا ممکن است برای سه شنبه نوزدهم قرار بدهیم معالناً دستور کافی است .

آقای میرزا مهرتقی قلیخان - روز شنبه چون ایام وفات و تعطیل است تصور میکنم که انعقاد مجلس هم تعریفی نداشته باشد .

رئیس - بله صحیح است دستور شنبه منتقل میشود به شنبه سه شنبه به پنجشنبه مجلس سه ربح ساعت از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۲۴۹

صورت مشروح روز پنجم ۱۳۲۹ جمادی الاولی

رئیس آقای موهن الملک سه ساعت و نیم قبل از هروب مگرسی ریاست جلوس نمودند و سه

دو يك ربع مجلس رسماً افتتاح شد - صورت جلسه روز سه شنبه ۱۰ را آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند .

(غایبین جلسه قبل ، آقای میرزا اسدالله خان دهخدا بدون اجازه و آقا سید محمد باقر ادیب و آقای حاج امام جمعه با اجازه غالب بودند حاج وکیل الرعایا ۳ ساعت - آقای نیر السلطان يك ساعت و بیست دقیقه بعد از وقت مقرر حاضر شدند آقای معین الرعایا هم بیض بودند .

رئیس - راپورت کمیسیون بودجه راجع بسبیلگی قشک فروش در جلسه ۴ نوشته شده شنبه ۲۱ خواهد بود ملاحظاتی است و اظهاری نقد راپورت شنبه ۲۶ در باب نماینده مازندران خوانده میشود بعبارت ذیل خوانده شد .

شبه ۲۶ در تاریخ سه شنبه ۱۰ شهر جماد الاولی ۱۳۲۹ تشکیل گردید اعتبار نامه آقای شریف الملهم منتخب مازندران را در تحت نظر دقت و مطالعه آورده ملاحظاتی لازم بعمل آمد فقط منتخبش که در صورت اعتبار نامه موجود است نوشته شدن اسامی منتخبین درجه اول است آنها هم چون در صورت مجلس هیئت نظار که در وزارت داخله موجود و در موقع تصویب اعتبارنامه دو منتخب دیگر مازندران سه در مجلس شرف حضور دارند و در شبه ملاحظه شده است رفع تردید می شود لهذا شبه ۲۶ انتخاب آقای شریف الملهم را صحیح دانسته و نمایندگان ایشان را تصویب می نمایند .

رئیس - مجاللی نیست (اظهاری نشد) رای می گیریم - آقایانیکه راپورت شبه شش را تصویب می کنند تمام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت ۷ رای تصویب شد - دستور ام و وزیر امور قانونیستی قانون ثبت اسناد - شروع می کنم بقانونیستی .

وزیر مالیه - خاطر میسازم که انرا در کمیسیون مسبوک است که در پروگرام هیئت وزراء در تقسیم مجلس شده بود یکی از موادش هم تجدید نظر مالیات نمک بود لایحه از طرف هیئت وزراء در این باب نوشته شده است تقسیم مجلس کند و تقاضای ریت آرا هم می کنم .

رئیس - خوب است که دلایل قویتر در بیان کنید تا رای بگیریم .

وزیر مالیه - پس بفرمائید لایحه خواننده شود تا هر شش کنیم (لایحه مذکور بعبارت ذیل قرائت شد) مجلس شورای ملی - تصور اینکه در با عایدات قانون مالیات بر نمک از طرف اولیای امور شده بود تجربه دو ساله خلاف آنرا نشان داد که قدره و اول مالیات بر نمک را بیکر از مالیات های ملل وصول و کم خرج تصور می کردیم عمل دو ساله اخیر تقض آنرا ثابت کرد و قیاساً عنوان مالیات نمک در مجلس شورای ملی شد تمام توجهات بر مقدار مصرف آن معطوف و عایدات آنرا از روی همان مأخذ مقدار بحدین کرور بالغ و هیچ تصور شکلاتی را که از بابت ترتیبات اداری بواسطه کثرت معادن و نداشتن لوازمات حاصل می شود منظور نمی داشتیم برای اظهار مشکلات اداری و مراقبت هلاک و آراک و مخالفت افکار عامه بوضع این مالیات که از روز اول

میر کردی گویا اشخاص رفته اند بطرف اردبیل که بطور مخفی خودشان با ورنه يك قراری بدهند این راهم در وزارت خارجه ملتفت خواهد بود .

رئیس - آقای ادیب التجار راجع به عبارت معتمد خاقان سئوالی داشتند بفرمائید .

ادیب التجار - چند دفعه در اینجا بعضی از نمایندگان معتمد در باب مجازات قتل مرحوم صنیع الدوله وضرب معتمد افاقان حاکم اصفهان و قاتل عبدالرحیم خان پسر هموی معتمد خاقان از وزارت امور خارجه سئوال کرده اند و بنده هم در این خصوص چند مرتبه زحمته داده ام و وزارت خارجه نوشته ام و فرمودند عنقریب مجازات آنها داده خواهد شد حالا از آقای وزیر امور خارجه سئوال میکنم چه اقداماتی در مجازات آنها شده و کلیتاً مجازات بکجا نتیجه بخشیده است اگر مسامحه در این خصوص هم کرده باشید کم کم بجهت حکام و مأمورین دولت اسباب و من و معذرت بفرست کار میشود اقدامات خودتان را بفرمائید تا مسبوک شوم .

وزیر امور خارجه - در چند روز قبل در باب قتل مرحوم صنیع الدوله اینجا جواب عرض کردم و آقای ادیب التجار را هم بآن جواب مراجعه می دهم و در باب اقدام اصفهان مطابق تلگرافی که خود معتمد خاقان چند روز پیش کرده بود استنطاق عباسخان تمام شده است و چون معمل نظر بود که با اوضاع حاضره آنچه آیا حکم قضیه را آنچه میتوان بکنند و استنطاق را کافی میدانند یا باید اینجا بپایند و در اینجا حکم قضیه بشود خود معتمد خاقان تلگرافی که از انعام استنطاق او کرده است و صورتش در وزارت خارجه حاضر است که حتم عمل آنها را اظهار کرده بود تقاضا بکنند بود حکم قضیه هم در خود اصفهان بشود این بود که بحکومت خودش و کار گذاری اصفهان تعینات داده شده و وزارت خارجه هر وقت استنطاقات رسیده و حاضر است و بعد از صدور حکم آنها را خواهد آورد طهران برای مجازاتی که درباره آنها مقرر است و بار هم عرض میکنم چند روز پیش هم عرض کردم که در خصوص قتل مرحوم صنیع الدوله و در خصوص عباسخان کدر اصفهان این حرکت ناشیست را کرده و بطوری که کتباً تقاضا شده و شفاهاً وعده داده اند که مجازات آنها عینی باشد که اسباب اطلاع عمومی باشد و امیدوارم که بعد از این باب همانطور که وعده داده اند عمل شود و قریباً بطالع مؤسرم برسد این مسئله مرحوم صنیع الدوله ایران اختصاص ندارد که فقط ایرانیها نگران باشند بنظر بنده خیلی از سایر ملل (هم متوجه این مسئله باشند) دور نیست این مسئله معلوم هم شده باشد که تنها ایرانیها ذمه دخل بیستند که بکتابی که نسبت بیک شخص مشرحوم صنیع الدوله این اقدام بشود البته ایستی اینرا تروک و مسکوت عنه بکنند و در مسلمانا نظری که امیدواری داریم و وعده شده می داده اند مجازات عینی آنها گوشزد تمام عالم خواهد شد .

رئیس - آقای داشید بفرمائید .

دکتر علیخان - خاطر آقایان مسبوک است که مسئله مستعینم خارجه يك مسئله است که در مقابل این اظهار دولت جواب نوشته و آنرا در

چندی قبل بمجلس شورای ملی فرستادم و در آنجا نکاتی منظور کرده بود که آن خیلی محل ملاحظه بود بایستی آن کافیه بکنند رسیده است در کمیسیون ملاحظه بشود و هر طوریکه مقرر داشتند از آن قرار اقدام شود و آنچه از فرانسه برای عدلیه و وزارت داخله خواسته بودیم بعضی مشکلات و تاخیرات دچار شدیم که بالاخره آنها هم در تهران بمانند که ما با شازدهان فرانسه و هم در پارسی سفارت ایران اقداماتی کرده است که آن مسئله هم حل شده و مطابق تلگرافیکه با وزارت مختار السلطنه سه روز پیش رسیده حل این مشکل را کرده اند و برای آن دو نفر هم ناسی هزار فرانت تقاضا کرده اند دولت سوزان فرانت را هم زیاد دادند و تلگراف کرده اند که تا بیست هزار فرانت فرار بدهند و جواب بگویند این است نتیجه اقدامات و منتظر خبر ثانوی هستیم .

دکتر علیخان - آنچه که مربوط به حقوق مستعینم خارجه است که آقای وزیر امور خارجه اقدام کرده اند مورد کمال تسکین و تشکر است مخصوصاً از طرف بنده که همیشه اظهار میکردم ام که حقوقی به مستعینم خارجه داده میشود بنده زیاد میدانم و باید سهلتر و کمتر گذرانید و آنچه که راجع به مستعینم برای سایر ادارات از آن جمله برای وزارت معارف فرمودند که بنا نبود خواسته شود روزی که پروگرام وزراء خوانده شد و تصویب شد یکی از مواردش این بود که مستعینم خارجه خواسته شود و اینکه بنده عرض کردم که این اقدام شده است یا نشده است فرض بنده این بود که آنها را هم که هنوز خواسته اند آنها را لازم میدانم که بخواهید برای وزارت معارف و قوا و احوال و به نظر برای سایر وزارتخانهها و اقدام خواهد فرمود یا اینکه لازم میدانید و از این مطلب بکلی صرف نظر کردید .

وزیر امور خارجه - بنده تصور می کنم که دولت لازم میدانند و اینکه بنده اینجا عرض کردم راجع به عدلیه بود که در مجلس شورای ملی تصویب شده بود و امر کرد که برای سایر ادارات امری نشد و مجلس تصویب نکرد تا اینکه هیئت با دولت آنها نخواهد و آنطور می نکرده است که آقای دکتر بفرمائید هیئت دولت باین عقیده هستند که برای ادارات باید مستعینم خواسته شود و برای وزارت داخله هم با تخصصی که برای نظمی لازم دارد کمال اهمیت را مینهد .

رئیس - يك سئوال دیگر هم آقا میرزا احمد راجع بقتله مرحوم صنیع الدوله هست .

آقا میرزا احمد - جزو دیگری هم دارد .

رئیس - در ضمن سئوالانتان بیان میکنید .

آقا میرزا احمد - سئوال بنده مشتمل بر دو چیز است یکی راجع بقتله بود که جواش را فرمودند يك چیز دیگری هم داشت راجع به بحر کین آنها همان دلالتی که فرمودید این دفعه خیلی وقته اسفناک و بزرگی است این است که سئوال میکنم نسبت به بحر کین آیا اقدامی شده است و چیزی معلوم شده و آیا میشود دوسه روزه این کار را تقدیم

میر کردی گویا اشخاص رفته اند بطرف اردبیل که بطور مخفی خودشان با ورنه يك قراری بدهند این راهم در وزارت خارجه ملتفت خواهد بود .

رئیس - آقای ادیب التجار راجع به عبارت معتمد خاقان سئوالی داشتند بفرمائید .

ادیب التجار - چند دفعه در اینجا بعضی از نمایندگان معتمد در باب مجازات قتل مرحوم صنیع الدوله وضرب معتمد افاقان حاکم اصفهان و قاتل عبدالرحیم خان پسر هموی معتمد خاقان از وزارت امور خارجه سئوال کرده اند و بنده هم در این خصوص چند مرتبه زحمته داده ام و وزارت خارجه نوشته ام و فرمودند عنقریب مجازات آنها داده خواهد شد حالا از آقای وزیر امور خارجه سئوال میکنم چه اقداماتی در مجازات آنها شده و کلیتاً مجازات بکجا نتیجه بخشیده است اگر مسامحه در این خصوص هم کرده باشید کم کم بجهت حکام و مأمورین دولت اسباب و من و معذرت بفرست کار میشود اقدامات خودتان را بفرمائید تا مسبوک شوم .

وزیر امور خارجه - در باب مستعینم خارجه آنچه راجع به وزارت معارف بود هنوز در باب مستعینم وزارت علوم تقاضا و امری صادر نشده بود که اقدام نشده باشد فقط از مستعینم کسبیکه باقی است غیر از آمریکانها که وارد رشت شده اند و حرکت هم کرده اند مستعینم زاندازمیری و وزارت داخله و صلیبه است آنچه متعلق بژاندارمری است آنها هم ملشان تم شده کارشان حقوقی است که برای آنها تعیین شده است و بر روی راپورت آن سفارت پارسی رسید نظر هیئت وزراء بکنند زیرا بود این بود که مجدداً تلگرافی بپارسی در باب حقوق آنها شد که حالاً هم میگویم اگر آن میزانی که تعیین کرده اند مجلس تصویب بکنند تلگراف میشود که کارشان را تصویب کرده بوری سر نت کنند اینجا بکسبیکه سلطان در نوبت ارسول برای ژاندارمری نباشد تصویب بکنند اینجا را دیده اند و ترتیب داده اند و بوی هم شده است چیزی که در اینجا عمل نکند بود این بود که برای سندان بیست هزار فرانت برای بواب هر یکی دوازده هزار فرانت تعیین کرده اند که سه مقابل مواجعی است که در سوند با آنها میبندند یعنی در سوند لویا هفت هزار و پانصد فرانت بسلطان میبندند و بیست و دو هزار فرانت پیشنهاد کرده اند و سفارت سوزان فرانت را سر کرده است و بیست هزار فرانت را بوی کرده است بطهران اطلاع بدهند برای بواب هم بلی دوازده هزار فرانت برای تعینات معادن مسافرت هم وجهی خواسته اند که انرا سعادت فرار داده است اینرا بطهران رجوع بکنند یعنی بعد از ورود آنها بطهران هر صورت که سایر مستعینم بلسبه رفتار میشود برای آنها هم در مورد دیگر بفرستند و در مسافرتی با آنها اظهار بکنند آن حرج مأموریت مسافرت و تفاوت را منظور بکنند و يك عین اسب هم بفرستند این بود که هیئت دولت برای نواب دوازده هزار فرانت برای سلطان تا هیجده هزار فرانت تصویب کرده اند و عین هم بفرستند خودشان تفاوت حرج مسافرت هم بفرستند و بطوری که بطهران مطابق ترتیباتی که با سایرین رفتار میکنند با آنها هم منظور بفرستند و تلگراف هم کرده اند منتظر سفارت پارسی را تصویب میکنند دیگر انتظاری بود رد و اقدام در رده را تصویب بفرمائید و تمام بفرمائید شاید آنهم دوسه روزه جوابش برسد در باب مستعینم عدلیه و وزارت داخله آنچه راجع به مستعینم بود که از مصر تقاضا شده بود که بیایورند شرحی از اسلابول در مقابل این اظهار دولت جواب نوشته و آنرا در

چندی قبل بمجلس شورای ملی فرستادم و در آنجا نکاتی منظور کرده بود که آن خیلی محل ملاحظه بود بایستی آن کافیه بکنند رسیده است در کمیسیون ملاحظه بشود و هر طوریکه مقرر داشتند از آن قرار اقدام شود و آنچه از فرانسه برای عدلیه و وزارت داخله خواسته بودیم بعضی مشکلات و تاخیرات دچار شدیم که بالاخره آنها هم در تهران بمانند که ما با شازدهان فرانسه و هم در پارسی سفارت ایران اقداماتی کرده است که آن مسئله هم حل شده و مطابق تلگرافیکه با وزارت مختار السلطنه سه روز پیش رسیده حل این مشکل را کرده اند و برای آن دو نفر هم ناسی هزار فرانت تقاضا کرده اند دولت سوزان فرانت را هم زیاد دادند و تلگراف کرده اند که تا بیست هزار فرانت فرار بدهند و جواب بگویند این است نتیجه اقدامات و منتظر خبر ثانوی هستیم .

دکتر علیخان - آنچه که مربوط به حقوق مستعینم خارجه است که آقای وزیر امور خارجه اقدام کرده اند مورد کمال تسکین و تشکر است مخصوصاً از طرف بنده که همیشه اظهار میکردم ام که حقوقی به مستعینم خارجه داده میشود بنده زیاد میدانم و باید سهلتر و کمتر گذرانید و آنچه که راجع به مستعینم برای سایر ادارات از آن جمله برای وزارت معارف فرمودند که بنا نبود خواسته شود روزی که پروگرام وزراء خوانده شد و تصویب شد یکی از مواردش این بود که مستعینم خارجه خواسته شود و اینکه بنده عرض کردم که این اقدام شده است یا نشده است فرض بنده این بود که آنها را هم که هنوز خواسته اند آنها را لازم میدانم که بخواهید برای وزارت معارف و قوا و احوال و به نظر برای سایر وزارتخانهها و اقدام خواهد فرمود یا اینکه لازم میدانید و از این مطلب بکلی صرف نظر کردید .

وزیر امور خارجه - بنده تصور می کنم که دولت لازم میدانند و اینکه بنده اینجا عرض کردم راجع به عدلیه بود که در مجلس شورای ملی تصویب شده بود و امر کرد که برای سایر ادارات امری نشد و مجلس تصویب نکرد تا اینکه هیئت با دولت آنها نخواهد و آنطور می نکرده است که آقای دکتر بفرمائید هیئت دولت باین عقیده هستند که برای ادارات باید مستعینم خواسته شود و برای وزارت داخله هم با تخصصی که برای نظمی لازم دارد کمال اهمیت را مینهد .

رئیس - يك سئوال دیگر هم آقا میرزا احمد راجع بقتله مرحوم صنیع الدوله هست .

آقا میرزا احمد - جزو دیگری هم دارد .

رئیس - در ضمن سئوالانتان بیان میکنید .

آقا میرزا احمد - سئوال بنده مشتمل بر دو چیز است یکی راجع بقتله بود که جواش را فرمودند يك چیز دیگری هم داشت راجع به بحر کین آنها همان دلالتی که فرمودید این دفعه خیلی وقته اسفناک و بزرگی است این است که سئوال میکنم نسبت به بحر کین آیا اقدامی شده است و چیزی معلوم شده و آیا میشود دوسه روزه این کار را تقدیم

با لایحه قانونی آن توأم بود لازم است مختصری از معادن نمک و درمملکت ما خیلی فراوان است ذکر شود و این نکته را هم در این موقع عرضه میدارد که بواسطه عدم امکان زراعت در اطراف (نواحی معادن نمک همیشه اهالی آنجا غالباً از این ممر بوده است مهمترین معادن نمک در بیجار و ایوان کیفت و نیشابور و تربت واقع است بطوری که وسعت این معادن بچندین فرسخ مربع میرسد در نقاط دیگر نیز معادن بزرگ زیاد است مثل اینکه ۲۸ معدن بزرگ در آذربایجان میباشد ولی نسبت به معادن مهم مزبور چندان وسعتی ندارند همینطور در سایر نقاط فقط معالی که محتاج به صرف نمک ولایات مجاوره میباشد همان ولایت کرمانشاه است و معالهایی که نمک معدنی صرف میشود عبارت از سواحل خلیج فارس و ارومیه و قم است اداره نمک فقط مقدار مصرف سالیانه خبازخانه های ایران را کمتر از سیصد هزار خوراک تصور نمی کند وقتی که مصرفهای دیگر را مثل دباغخانه ها و دواب و نمکی که درخانه مصرف میشود بر آن مقدار بیفزاییم تخمیناً بیانصد هزار خوراک بالغ میشود ولی بموجب اطلاعات اخیر در سال تقریباً بیش از مالیات صد هزار خوراک نمک بدوات عاید نمی شود و بموجب ایست در عرض یکسال فقط مالیات ۴۸ هزار خوراک عاید دولت شده است همین مقدار وانی مصرف نمک نمل در مملکت ممکن نیست ولی بر فرض اینکه مصرف سالیانه دو بیست هزار خوراک باید مقدار اکثر نمکی که مالیاتش اخذ شود یعنی از نظر مراقبت مامورین دولت بگذرد بیش از هشتاد هزار خوراک نخواهد بود این نکته را هم خیلی قابل فکر و توجه میدانم که شدت افکار عامه با مالیات نمک نه از باب این بوده و هست که چرا مالیات جدید وضع میشود بلکه اغلب پیش از وضع قانون متوجه مشکلات آن بودند و میدانستند که بواسطه کثرت معادن مراقبت مشکل و عامه در زحمت خواهند بود چنانچه مکرر کتباً و شفاهاً اظهار میشد که بستن مالیات نمک که از جزو ضروریات اولیه است باین نسبت و با انداختن اولام مراقبت خطای فاحش و عوض نمک خوبست که مالیاتی بدخایبیت وضع شود و هم آقاییان نمایندگان میدانند این فکر مالیات دخایبیت در افکار عامه بوده و هنوز هست در موقع وضع مالیات نمک اینطور تصور می شد که این مالیات چندان بضعاً تحمل نمیشود و حال آنکه اگر صرف نمک خبازخانه ها و دواب را متوجه باشیم معلوم میشود که اینطور نبوده بلکه این مالیات بضعاً بیشتر تحمل شده است تا باغیاج - بعضی ما معتقد هستیم که اگر تخفیفی در مالیات نمک داده شود رفیع یاره مشکلات خواهد شد ولی اینطور نیست و اگر تخفیفی در این مالیات داده شود و عایدات آن شاید کفایت خرج اداره و مباشرین و مستعطفین که عهده داری لازم است اگر خواسته باشند که بطور جدی اداره نمایند نخواهد کرد علاوه بر منظور مذکور در بنادر بحر خزر و در یک قسمت آذربایجان و در تمام خاک گیلان و مازندران و ولایات جنوبی و سیستان شکست فاحش بیاز نمک داخله وارد شده است و خروار نمک خارجه

خارج وارد شده است و خروار نمک خارجه در آن صفحات چهارده - یازده قران بیشتر قیمت ندارد و ممکن نیست که در آنجا کسی خریدار نمک داخله باین مالیات زیاد باشد و وزارت مالیه نه ایست که بکلی ضد باین مالیات نمک باشد بلکه بلا محظوظات سادی و معنوی و تجارتنی که منظور هیئت و وزارت توقیف مطالبه این مالیات را تصویب و رای آقاییان نمایندگان را که همگی بصیرت تام از محظوظات آن دارند موافق باری هیئت وزراء داشته و بموجب ماده واحده ذیل موافق این مالیات را پیشنهاد و تصویب آن راقاضای می نماید .

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب قانون مورخه ۸ ربیع الاولی ۱۳۲۶ نمک را تصویب می نماید .

وزیر مالیه - از شرحیکه در ضمن این لایحه مندرج است خاطر نمایندگان محترم مسبق است که بقدر این اسباب زحمت شده است علاوه بر اینکه در هر ولایت مشکلات اداری و زحمت فوق العاده برای اینکار هست از نقطه نظر تجارتنی هم بطوری که در این لایحه دیده میشود سبب نقص تجارت نمک داخله شده است چنانچه در نصف بزرگ آذربایجان حالا اگر نصف نگوییم یک قسمت بزرگ آذربایجان نمک خارجه را صرف میکنند همین طور در گیلان و مازندران و یک قسمت از سمت خراسان پس از نقطه نظر تجارتنی هم نظر کردیم دیدیم که یاره مضرات تجارتنی هم دارد و چون مسئله اینکه این قانون برداشته شود سابقاً هم یکطرحی هم بمجلس پیشنهاد شده است این اسباب شده است که یک مشکلات تازه هم در بعضی جاهات تولید شده است اکثر نمایندگان ما ملاحظه میکنند که بعضی اینکه بشنوند یک پیشنهادی در این باب شده است تصور میکنند که این قانون برداشته شده است و حال این که اینطور نیست وقتی میتوانیم قانونی را موقوف بکنیم که مجلس شورای در آن بابت رای بدهد و تصویب بکند ولی این اشتباه است که در تمام ولایات مامی بینیم که شده است تصور میکنند که این مالیات موقوف شده است و از طرف مباشرین هم برخلاف موقوفی رفتار شود اینست که بنده تقاضا و خواهش میکنم که فوریت آن را رجوع بکسیسیون فرمائید که کمیسیون هم زودتر نظریات خودش را بکنند و زودتر از مجلس بگذرد که زودتر رفع این اختلافات و مشکلات بشود

رئیس - فوریت نظامنامه ایست که یکشور شود و در میل دارند که رای بگیریم که برود بکسیسیون و کمیسیون این مسئله را اهمیت بدهد و مقدم بدارد ولی اگر مقصود اینست که بهمان ترتیب معمولی دو شور شود و میان شور اول و شور دوم پنجروز فاصله بشود که آن را فرمائید .

حاج شیخ اسدالله - جواب عرض بنده این فرمایش بود و شرایط لازم یک چیز معمولی است که از این ماده قانون نوشته شده و اگر این طور است که میفرمائید معمول میفرمائید یک قانونی که در سابق نوشته شده در اینجا خوبست اشاره بهمان ماده و همان قانون بکنند شرایط لازم آن را نمی رساند .

افتخار الواعظین - آن در ابورت کمیسیون فواید عامه را خواهش می کنم از ایشان که مطابق میفرمائید در فصل ۱۹ بگریه پیشنهاد وزیر عیناً تصویب شد باضافه ماده قانونی که راجع باجرت است

در اینکه در باب مالیات نمک باید یک تجدیدنظری بشود در این شک و شبهه نیست بنده مخالف نیستم ولی در صورتیکه کمیسیون کلبه مسائلی که میاید بمجلس نمی دانم بطور می شود که امانتقاضای فوریت میکنم درای هم داده می شود و حال اینکه باید برود به کمیسیون قوانین مالیه و باید دوشور هم بشود بلکه کمست باید خیلی دقت کرد که در یک مشکلات دیگری نیفتیم با نتیجه بنده مخالف هستم کلبه با فوریت این لایحه و تصور میکنم بر فرض هم در فوریت باید تقاضا بشود بهماز آمدن راپورت کمیسیون قوانین مالیه تقاضای فوریت بشود آنوقت اگر مجلس صلاح دید بقوریتش رای خواهیم داد .

رئیس - رای میگیریم بقوریت این لایحه آقاییانیکه فوریت را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت تصویب شد .

رجوع می شود بکمیسیون قوانین مالیه حالا قانون پیش از ماده ۲۷ خوانده می شود شروع شود در قانون شده و فصل ۲۷ برقرار ذیل خوانده شد

فصل ۲۷ - هر گاه جرایم و مطبوعات و مندرجات تجارتنی و اداری کار که از داخله بداخله ارسال میشود دارای رابطه لازمه که باعث تخفیف کرایه است نباشد حقوق بستی یا کتا با آنها تعلق خواهد گرفت

حاج شیخ اسدالله - میخواستم عرض کنم که دارای شرایط لازم یعنی چه این شرایط لازم را خوب بود آقای مغیر توضیح بدهد که بدانم .

افتخار الواعظین - یک قانونی از مجلس شورای ملی گذشته است و ترتیب زمان قبل در باب تخفیف اجرت مراسلات و معابرات ارباب را بدودر آنجا شرایطی شده است که اگر آقای حاج شیخ اسدالله در آنجا ملاحظه فرمائید در آنجا خواهند دید که نوشته شده است که خود آن اوراق جرایم را در میان یا کت و در میان چیز دیگری نباید گذاشت فقط باید دسته بکنند و یک چیزی بطور لفاف اطراف او پیچیده و بعد تعبیر بستی باور زده شود اگر باین شکل فرستادند همان ترتیب تخفیف یعنی مقالی بکشاهی از صاحبش و از اداره جرایم اجرت مطالبه خواهند کرد ولی اگر بخواهند بگذارند میان پاکت و سر اوراق ببندند مثل سایر مرسولات آرزوی آقای معادن هم فرمودند که چون بعضی مجریها بر آن تعلق می گیرد و اداره باید مجری بکنند اینست که آن قیمتی که از سایر پاکتهای بستی گرفته میشود جرایم هم گرفته میشود .

حاج شیخ اسدالله - جواب عرض بنده این فرمایش بود و شرایط لازم یک چیز معمولی است که از این ماده قانون نوشته شده و اگر این طور است که میفرمائید معمول میفرمائید یک قانونی که در سابق نوشته شده در اینجا خوبست اشاره بهمان ماده و همان قانون بکنند شرایط لازم آن را نمی رساند .

افتخار الواعظین - آن در ابورت کمیسیون فواید عامه را خواهش می کنم از ایشان که مطابق میفرمائید در فصل ۱۹ بگریه پیشنهاد وزیر عیناً تصویب شد باضافه ماده قانونی که راجع باجرت است

جرایم در شهر ربیع الاول از مجلس شورای ملی گذشته و تصویب شد این فصل هم راجع بهمان قانونی است که از مجلس مقدس شورای ملی گذشته است و در آنجا برای جرایم یک شرطی قرار داده شده است که اگر دارای آن شرایط باشد آن تخفیف داده خواهد شد و اگر نباشد آن تخفیف داده نخواهد شد اما حضرت والا شاهزاده سیدان میرزا که درباره مستودجات ایراد فرمودند مستودجات هم همانطور که سایر چیزها را میگذرانند خواهند گذراند .

سلیمان میرزا - بنده ایرادی نکردم .

پهچت - مقصود این است که این شرایط را خواهد بود چه در مطبوعات و در سایر اشیاء ولی شرایط لازم صحیح نیست چه باید گفته شود . شرایطی که در ماده ۱۹ ذکر شد و الا معلوم است که مستوره جات تجارتنی مثل مطبوعات ممکن نیست بدن شرایط قبول شود .

رئیس - پیشنهادی دارید بنویسید بفرستید رای گرفته شود .

(فصل ۲۸ وزیر قرائت شد .)

فصل ۲۸ - در صورتی که جرایم و مطبوعات و مستوره جات تجارتنی و اداری کار که مبداء و مقصد آنها در داخله مملکت است در تحت یک لفاف بسته شده باشد حقوق متعلقه بآن عبارت خواهد بود از مجموع حقوق متعلقه بهریک از آن اشیاء ولی با ملاکها مستثنیات ذیل .

اولاً هر گاه مستوره جات یا مطبوعات با هم بسته شده باشد اشیاء مزبوره ناماً یا یکدیگر موازنه شده و اجرت بستی که متعلق بستمورجات است از تمام آن بسته دریافت خواهد شد ثانیاً هر گاه بمطبوعات صورت حساب آنها نیز منظم باشد حقوق مقرر مطبوعات بآن بسته تعلق میگرد بشرط آنکه تمام حقوقی که برای آن ادا شده اقلاً مساوی باشد بکمترین مقدار حقوق اوراق کار که عبارت از ۶ شاهیست .

حاج شیخ رئیس - بنده متافسه معنوی را به نمایندگان محترم و امیدوارم ولی مناقشات لفظی را ناچارم از اینکه در الفاظ قانونیه که از مجلس مقدس میگذرد عرض کنم مستوره جات فقط است باینکه این که نوشتهجات صحیح است .

رئیس - مخالفی هست - اظهاری نشد

فصل ۲۹ قرائت شد از پیشنهاد وزیر .

فصل ۲۹ - پاکتهای متعارفی و کارت های بستی و جرایم و سایر مطبوعات تجارتنی و اداری کار که مجرور مقاصد آنها در داخله مملکت باشد و در زمان تحویل بستی بقدر کفایت نهمر با آنها الحاق نشده باشد از گیرنده آنها دو برابر قیمت نهمرهای کسری دریافت خواهد شد .

محمد هاشم میرزا - چنانچه در ماده ۱۷ بنده این مطلب را پیشنهاد کردم پیشنهاد خود را توضیح می دم در ماده ۱۷ یک اشاره باین موضوع شده است ولی کفایت نمیکند در هر جایی که نوشته شده است چهارم قابل گرفته می شود ظاهرش الزام است لهذا باید اختیار داده شود که میتواند بگیرد و آن چهارم بنده لهذا بنده این پیشنهاد را کردم که ضمیمه شود بماده ۲۹ .

افتخار الواعظین - خیر فرمایش حضرت والا

صحیح نیست بجهت این که می خواستند بفرمائید آن شخص مختار است می تواند بگیرد و می تواند نگیرد قانون هم همین را میگوید بجهت این که می گوید از گیرنده میگیرد اگر نگرقت گیرنده بر او اطلاق نمیشود .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهار شد خیر) پیشنهادت از شاهزاده محمد هاشم میرزا خوانده می شود - (بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم آخر ماده ۲۹ اینطور اصلاح شود گیرنده می تواند این وجه را برداشته و اشیاء فرستاده شده را دریافت نکند .

حاج سید ابراهیم - در یکی از مواد بعد این را اشاره می کند که عین ماده اش اینست که آن گیرنده مختار است می تواند بگیرد می تواند عین مکتوب را رد کند دیگر هیچ محتاج باین توضیحات نیست مگر اینکه این ماده را که میاید ببرد در

رئیس - رای میگیریم باین اصلاح محمد هاشم میرزا آقایی که قابل توجه می دانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) (رد شد)

فصل ۳۰ - حقوق داخله بستی و جرایم و مطبوعات و مستوره جات تجارتنی که از مالک خارجه بدون مجوز میرسد از قرار ده متفلاً یا کسریه متفلاً ۶ شاهیست مشروط بر اینکه در قرار داد های بین المللی تبیین این حقوق نشده باشد .

رئیس - مخالفی هست .

حاج وکیا الرعایا - بنده مخالفم

رئیس - فرمائید .

حاج وکیل الرعایا - گمان می کنم لازم باشد آقای معادن در این یک توضیحی بدهد که این پول را می خواهند برای مخارج کسری بگیرند این را بچه دلیل لازم می دانند که از گیرنده در مقصد بگیرد بجهت اینکه شاید این نصیر از یکی اعضاء بستخانه باشد پولی که تکلیف میکنند باو که فلانقدر باید بدهی ولو عمداً هم نمیخواسته است چیزی از آنجا بردارد ولی دو قران از من گرفته و می خواسته است سه قران بگیرد و همان مجوز دو قران را زده است دلیل اینکه بنده باید در مقصد جری سه و اشتهای یک مأمور بستخانه را بدهم این را توضیح بدهند چیست .

معاون وزارت پست - عرض کنم توضیح این در ضمن یک ماده است که بعد خواهد آمد و یک توضیح دیگر اینست که راجع بیک ترتیبانی است که پاکتی یا اشیاء دیگری از خارجه میاید این ماده هم که در اینجا نوشته شده مطابق قانونیست که در آنجا معمول است و من بعد اگر تغییری در قوانین بین المللی پیدا شود ما هم مجبوریم که این ماده را مطابق آن قوانین بین المللی تغییر بدهیم و آنطور رفتار کنیم .

رئیس - (دیگر مخالفی نیست) اظهار شد خیر

فصل ۳۱ خوانده شد .

فصل ۳۱ پاکتهای سایر مرسولات بیکه با هم سفارشی خوانده میشوند آنها می هستند که فرستنده در موقع تحویل دادن آنها به بستخانه برای اطمینان رسیدن پاکت بقصد قبض رسیدن از اداره بگیرد مرسولات

سفارشی شامل ضمانت و بیمه قیمت نخواهد بود بر پاکتها و سایر اشیاء سفارشی علاوه بر حق معمولی مبلغ دوازده شاهی بعنوان حق سفارشی تعلق میگیرد و رقه های مخصوص جواب که بکارت پستالها تعلق و اجرت آنها قبل از وقت تادیه شده نمیشود بتوسط فرستنده کان اولیه آنها سفارش شود .

رئیس - آقای حاجی سید ابراهیم مخالفید .

حاج سید ابراهیم - پیشنهاد کمیسیون خوانده شود تا مراضی خودم را بکنم .

(بعضیون ذیل خوانده شد .)

فصل ۳۱ - تصویب شد (باضافه در انتهای فصل ذکر شود) ولی بدون اینکه اداره پست ضامن قیمت آن مرسولات باشد .

حاجی سید ابراهیم - اینجا در این ماده نوشته شده است که مرسولات سفارشی شامل ضمانت و بیمه قیمت نخواهد بود یعنی اداره پست ضامن مرسولات سفارشی نخواهد بود ضمانت بعهده کسی دیگری هم نیست پس با نتیجه عرض می کنم پیشنهادی که کمیسیون کرده است زائد است .

مشیر حضور - بنده میخواستم از آقای معاون بیستم اگر چنانچه پاکتی مفقود شد اداره بستخانه بآن شخص صاحب پاکت چه خواهد داد که پاکت از کس شده است کمان میکنم در همه جای دنیا معمول است که اگر چنانچه پاکت سفارشی مفقود شود دولت باید یک چیزی بآن فرستنده پاکت بدهد و الا چه ندارد که کسی پاکت خود را سفارشی بکند و دوازده شاهی علاوه بدهد .

معاون وزارت پست - همینطور است ماده بدهد میاید بیک چیزی معین شده است .

حاج سید حسن مدرس - عرض میکنم که توضیح بدهند آقای معاون بیمه را وقت آنرا هم فرمائید .

معاون - پاکت سفارشی دو قسمت یکی اینکه یک وجهی با چیزی در آن میکنند و قیمتی میکنند یعنی بیمه میکنند یعنی اداره پست قیمت میکنند و پولی از برای آن میگیرد و یکی دیگر اینکه تریمات است که همینطور جوف پاکت میکنند و سفارش میکنند اینجا مقصود پاکت بیمه است یعنی پاکتهایی که بیمه و اشیاء بستی در جوف آنها باشد .

مشیر حضور - این جواب بنده شد بجهت اینکه در ماده بعد برای پاکت سفارشی بنده چیزی نمی بینم .

معاون - اجازه می فرمائید ماده اش را پیدا کنم ماده هشت در این باب که پاکت سفارشی اگر کم شد ۲۵ قران بصاحب آن داده میشود .

افتخار الواعظین - ماده ۴۳ است .

رئیس - چون شور اول است میتوانید ایرادات را در شور دوم بکنید یا بکسیسیون اظهار بکنید فصل ۳۲ خوانده شد .

فصل ۳۲ - پاکتها ممکن است مطابق قیمت اظهار شده محتویاتشان بیمه شوند و در این صورت علاوه بر اجرت مقرر و پاکتها حقوق بیمه نیز بآنها

تعلق خواهد گرفت و تمیین جنس و اکثر مبلغ وجهیکه ممکن است بمنوان بیمه قبول شود با اداره جلیله بست است .

رئیس - مخالفی هست .

لواء الدوله - جلیله اش را که بزندت مخالفی نیست .

فصل ۳۳ خوانده شده

فصل ۳۳ - برای هر یک کتبی به نشده با سفارشی يك قبض رسید در زمان تحویل دادن به دستگاه بفرستنده داده میشود و در زمان توزیع رسید از گیرنده اخذ میگردد پس از تحویل اشیاء سفارشی بایمه شده بصاحبان آن و گرفتن رسید دیگر به پیوسته دستگاه مسئولیتی ندارد گیرنده این قسم یا کتبا می تواند تقاضا کند که یا کتشی در دستگاه باور داده شود و در حضور شهودی که خود او تعیین میکند باز شود .

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)

فصل ۳۴ - خوانده شد .

فصل ۳۴ - یا کتبا و سایر اشیاء مرسوله ممکن است بر حسب خواش فرستنده توسط حامل مخصوص فوری بگیرند داده شود باین قسم مرسولات علاوه بر حقوق مقرره يك اجرت مخصوص به نسبت جنس آنها تعلق میگردد که تمیین مقدار و شرایط آن با اداره بست است .

معاون بست - اینجا يك کلمه افتاده است (حامل مخصوص در مقصد) افتاده است .

آقامیرزا ابراهیم خان - کمیون هم هم منظور پیشهاد کرده است که بعد از حامل مخصوص در مقصد افزوده شود .

رئیس - مخالفی نیست [اظهاری نشد] (فصل ۳۵ خوانده شد)

فصل ۳۵ - فرستندگان مرسولات سفارشی یا بیمه شده یا فوری که در داخله مملکت توزیع میشود در موقعی که مرسولات مذکور در دستگاه تحویل می دهند می توانند خواهش نمایند ملتسه به امضای گیرنده پس از تسلیم گرفته و با آنها داده شود در این صورت باید مبلغ ۶ شاهی قبل از وقت در این بابت به دستگاه بردارند برای تعقیقات در خصوص اشیاء سفارشی یا بیمه فوری که از داخله بداخله ارسال میشود نیز همین مبلغ ۶ شاهی باید ادا شود و این درم نیست که نرخ همین ملتسه پرداخته نشده باشد .

حاجی سید ابراهیم - در ماده ۳۶ نوشته شده که یا کتبی را که سفارش میکنند علاوه بر حقوقی که معمول است یا کتبی ۱۲ شاهی حق سفارش داده میشود و در همان ماده و این ماده نوشته است که یا کت سفارشی را هم که بمقصد می دهند قبض رسید می گیرند و دیگر حق دیگری برای آن قبض رسید تعیین نشده بود و در این جا نوشته است ملتسه و ۶ شاهی هم برای آن تعیین کرده است حالا بنده می خواهم بدانم فرق این بآن چیست این ملتسه چه چیز را زیاد میکند که ما این اندازه حقوق بر آن بیفزاییم در آن مواد سابقه همان رساندن بصاحبش بود دیگر حقی نداشت و این چه خصوصیتی دارد که ۶ شاهی بر این ملتسه بدهد علاوه بر این در این صورت اول که نوشته شد

که قبض رسید بگیرند تا بعد از بنده هیچ وقت در دستگاه نرسد که کافذ سفارشی را ببرد و قبض رسید از آن مقصد بگیرند و بیاورند و اسم آن قبض رسید باشد نه ملتسه و اگر قبض رسید کفایت میکند دیگر ملتسه لازم نیست و اینکه ملتسه است و قبض معمول نیست ترتیبی است مستعان یا کتبی که فرستاده میشود و صورت پیدا میکند یکی آنستکه بطور سفارشی می دهد که آن قبض را اینجا از بست خانه دریافت می کنند و این اضافه قیمتیکه از برای اینکار تصویب شده است برای اینستکه دفاتری برای اینکار تعیین شده است که یا کتبا را که می برند آنجا ثبت میکنند وقتی هم برای صاحبان یا کتبا می آورند اینجا هم ثبت میکنند دفاتریکه برای اینکار تعیین شده است این اضافه قیمت را لازم دارد و این جزء طوریکه نوشته شده صاحب طلب مختار است که اگر بخواهد يك ملتسه بگیرد که او را قبض بر گردن میگرداند و آن ملتسه که می رود بآن محل و گیرنده یا کت مهربانند و در وقتیکه در وقتیکه که یا کت سفارشی میکند و میفرستد و لیکن اطمینان ندارد که این یا کت رسید شده است بعد از اینکه آن یا کت داده شده است همان صاحب یا کت میتواند که ۶ شاهی بدهد و آن اداره يك قبض ملتسه بر گرداند بفرستد بآن محل و يك حق از طرف بگیرد و بیاورد معلوم است وقتیکه اداره يك ترتیبی میدهد و يك اجرائی برای آنکار تعیین میکنند باید يك حقی بگیرد و اینجا هم مجبور نیست مجاز و مختار خواهد بود برای اینکار فصل ۳۶ - خوانده شد .

فصل ۳۶ - اداره بست با تصویب دولت اجرت و حقوقی را که از بابت فقرات ذیل برای دخل دولت دریافت کرد و همچنین شرایط و ترتیبات لازم را بایمه بآنرا تعیین خواهند نمود اولاً مسافرین وینه آنها (۲) امانات سریع السیر و امانات بطی السیر (۳) مرسولات بیمه شده (۴) پروات یستی (همانند بست) و کرایه جبهه های شخصی که در دفاتر بست موجود و برای جمع شدن مرسولات مستعمل است اجرت و حقوقی که از بابت فقرات مذکور باید دریافت شود در روزنامه رسمی مملکت اعلان خواهد شد اداره بست شرایط تحویل و توزیع مرسولات بیمه شده و سفارشی و پروات یستی را تعیین خواهد کرد

رئیس - مخالفی نیست

آقامحمد - عبارت يك اصلاحی لازم دارد (دیگر اظهاری نشد)

فصل ۳۷ خوانده شد

حقوقی را که گیرندگان مرسولات یستی بیست خانه می روند باید قبل از دریافت مرسول اداء نمایند گیرندگان مرسولات می توانند در موقعی که مرسول نزد آنها سیرده می شود از قبولش امتناع کنند ولی مشروط بر اینکه از محتوی آن مطلع نشده و سرش را باز نکرده باشند بعضی اینکه مرسولی بیستخانه تحویل داده شده قیمت تمییریکه روی آن الصاق شده است باید خراشه دولت می گردد

رئیس - ایرادی هست (گفته شد خیر) فصل ۳۸ بمضمون ذیل خوانده شد

فصل ۳۸ - اداره بست تبره های یستی و کارت های یستی و یا کتبا و نوارها بقره های مخففه طیمو نشرمی نمایند که نماینده حقوق یستی هستند اداره بست می تواند حدی برای مدت اعتبار تبر و کارت های یستی و یا کتبا و نوارهای یستی تعیین نماید و مدت شرایط نادیه قیمت یا معاوضه آن ها را معین کند .

افتخار الواعظین - مدت و شرایط بست مدت و شرایط است

مشیر حضور - نوار های یستی را توضیح بدهید بنده نمی فهمم

معاون - دستگاه بعضی لوازم یعنی همین چند فقره که ملاحظه فرمودید حاضر می کنند از جمله نوار که نمبر روی آن هست از برای بستن بعضی بسته ها که در آن پیچیده شود و تبر هم روی آن الصاق شده بیست خانه می رود این از برای سهولت است

فصل ۳۹ خوانده شد

فصل ۳۹ دولت می تواند اجازه حمل مجانی بکتابت اداراتی بدهد که متضمن منافع عمومیست و تعیین حدود و شرایط عمل فوق نیز با دولت است .

رئیس - مخالفی در این باب نیست (اظهار شد خیر)

(فصل چهارم قرائت شد)

باب سوم - مسئولیت فصل چهارم اداره بست مسئول کلیه وجوهی است که بجهت پروات یستی باور داده میشود

رئیس - مخالفی هست (اظهار شد خیر)

فصل ۴۱ خوانده شد

فصل ۴۱ - در صورتی که تمام یا جزئی از یا کتبا و مرسولات بیمه شده مفقود شود و اداره بست مسئول قیمت مقدار مفقود یا میزان مبلغ بیمه شده خواهد بود

حاج وکیل الرعایا - گمان می کنم این (یا) زیاد باشد فقط مسئول همان قسمت مفقود شده است والا غیر دیگر لفظ یا لازم نیست بنده يك امانتی نیست می دهم يك قیمتی دارد با هم یا نصد تومان قیمت آنرا می گذارم چون پذیرفته است دولت مسئول همان یا نصد تومان خواهد بود (یا) در این جا کتبا پیشی ندارد

معاون وزارت بست - این مطلب همان طور نیست غیر از این است این یا جزئی که میگوید برای آنستکه امانتی که فرستاده می شود ممکن است که يك نصف از این امانت مفقود شده و نصف دیگرش باقی بماند این را می گوید که قیمت داده میشود این مطلب را کمی فرمائید در ماده دیگر خواهد آمد

حاجی شیخ اسدالله - وقتیکه یا کتبا را در فصل پیش نوشت که نمی خواهند بیمه کنند فقط تمییر آن وجهی با آن قیمتی که در ملفوف آن پست بتمییر خود صاحب یا کتبا است بعد از اینکه صاحب یا کت گفت که در اینجا بچوب یا کت من یا نصد تومان

ملفوف است و در آن ضمن آن یا کت مفقود شده بدون اینکه اداره بست تحقیق کرده باشد که ملفوف آن پست هزار تومان است یا نصد تومان است کذب است صدق است در صورتیکه در بین راه مفقود شده باشد اینجا خواستم عرض کنم هر گاه بخواهند بیمه کنند خوبست فراری بگذارند که تلف در آن موانع بیمه کردن از برای آن صاحب امانت باقی نباشد .

افتخار الواعظین - مواد بیمه را بخواهید رفع اشکالشان بشود .

معاون - عرض کردم فرمائید که میفرمائید راجع به مواد بیمه است در اینجا میگویند تمام یا جزئی از يك امانت بیمه شده مفقود شد یعنی اگر چنانچه يك جزء از آن مرسولات و اماناتی که فرستاده است مفقود شد آنرا میبهد و اگر تمام مفقود شد تمام را میبهد .

آقای سید حسن مدرس - عرض از این مفقود شدرا بیان فرمائید من تقصیر بفرم کنید - در چه حالت است .

معاون - مقصود اینست که مال از میان رفته باشد بهر شکلی از اشکال و لیکن در بعضی مواد بعضی مستثنیاتی دارد که در مواد بعد خواهد آمد و غیر از این مستثنیات در تمام نقاط مشمول خواهد بود .

دکتر اسمعیل خان - اینجا مقصود از مفقود شدن را حضرت آقای آقا سید حسن فرمودند در وقتیکه نمی شود گذاشت که بواسطه دزدیا چیزهای دیگر مفقود شود باشد اداره مسئول است بهر شکل که مفقود شده باشد هیچ فرق نمی کند داین ایرادها که آقای حاج وکیل الرعایا فرمودند که چه شکل است آنستکه يك جزئی از آن بار مفقود میشود بقیه آن میاندملا فرم کنید بقره آلات اجیزهای دیگر از آنجا حمل کردند برای نقطه دیگر در وسط راه اتفاقی برای کاری بست افتاد که يك مقداری از این بار مفقود شد آن امانت را اینجا تومان بیمه کرده باشند نصفش سرفه شده است در حالیکه قیمت آنقدر آیرا که حمل کرده اند خیلی بیشتر از اینها است اداره بست می خواهد که يك سرفه بصاحب امانت برسد و حق او را بابت آن مقدار يك باقی مانده است نمی خواهد بکلی ضایع بکند و قیمتی هم هست همان مقداری را که از جنسش باقی مانده است باو میدهد و يك مقداری که سرفه شده است یا يك شکل دیگری از بین رفته است قیمت آنرا میدهد و میزان مبلغ بیمه را هم نیز باو میدهد .

رئیس - آیا مذاکرات کافی است .

ماده ۴۲ - در صورتی که تمام یا جزئی از يك امانت بیمه شده مفقود شود یا اینکه تمام یا جزئی از محتوی آن خراب و ضایع گردد اداره بست متعهد و ملزم است که در ازای هر یک من مال التجاره مفقود یا ضایع شده مبلغ ۱۵ قران بمنوان فرات بصاحب امانت کار سازی نماید بر حسب قاعده مطالبه این فرات باید توسط فرستنده از دستگاه یا سرکر ایالتی دستگاه بشود که در آنجا امانت تحویل داده شده است ولی گیرنده امانت می تواند مطالبه جبران ضرر را از دستگاه مقصد یا سرکر ایالتی آن نماید

مشروط بر اینکه از فرستنده يك اجاره نامه در دست داشته باشد همین که مبلغ بیمه شده و با فرات معینه در این فصل بصاحب امانت ادا شد تمام حقوق مشارالیه از این بابت با اداره بست را از جنس محتوی امانت مفقود مستعصم بدارد و حتی الامکان بواسطه اطلاعات شخصی موجب نفی و تجسس آنرا فراهم آورد کمیسیون در انتهای جزء اول که در ازای مفقود شده پکن ۱۵ قران بمنوان فرات بصاحب امانت کار سازی نماید ایشجه را زیاد نمیشود (باضافه کرایه اولیه که گرفته شده)

معاون - يك ماده دیگری هم دارد که کرایه هم مسترد خواهد شد میباید

حاجی سید ابراهیم - از بابت یا کت سفارشی که آقای مشیر حضور فرمودند که اگر مفقود شد خوبست دستگاه يك حق بصاحب یا کت بدهد جواب گفتند در ماده بعد میآید و در اینجا هیچ اسمی از یا کت سفارشی برده نشده است برای اینکه بیمه شدنش گذشت و این راجع بامانت بیمه شده است که میگوید ثانیاً مال التجاره را بنده عرض میکنم که اولاً باید معلوم شود که مال التجاره چه چیز است شاید يك من بقران است یا يك من صد تومان اگر فرضاً يك طاقه مغلی را بخواهند بامانت بدهند و اینرا نمیشود گفت که يك من ۱۰ قران فرات بدهد و همچنین اگر چیزی باشد که يك من دو قران قیمت دارد چطور میشود گفت يك من ۱۰ قران بدهد پس باید یقین کرد که چه جور جنسی باشد و این تمییر مقدار يك من ۱۵ قران مطلقاً صحیح نیست .

معاون - اینجا گمان میکنم که هیچ ممکن نیست تمییر آن شیشی بشود اگر از یک من ۱۰ قران قیمت آن تجاوز باشد موافق آن ماده که پیش ذکر شد باید که بیمه بکنند تا اینکه حق قیمت او را تماماً از بست داشته باشد و اگر بخواهد بیمه نکند اگر چنانچه مثال ۱۵ قران باشد که بخواهیم از قیمت بکنیم بندهیم اداره بست معین کرده است که يك من ۱۵ قران اگر مفقود و عیب کرد بصاحب او بدهد بمنوان وجه فرات .

لواء الدوله - عرض میکنم اینجا عبارت نوشته است که مال التجاره همانطوری که حاجی سید ابراهیم فرمودند اینجا تمییر نشده است که این مال التجاره چیست اگر مال ابریشمی باشد يك من ۱۵ قران ۲۰ تومان فرات بدهد بجهه این که این شخص این جا کرایه می دهد برای این که این مالی که فرستاده است صحیحاً برسد و دیگر این که این جا می نویسد وقتی که آن کسی که این امانت را برای او می فرستد باید يك اجازه بدست داشته باشد که فرات او را بگیرد همان امانت که بدست او است او حق دارد که بوجوب همان امانت که از بست خانه باسم او نوشته اند فرات او را مطالبه بکند .

معاون بست - آیا بدست توجه فرمودند برض سابق بنده عرض کردم هر امانتی يك قبض دارد يك وقتی آنستکه آن امانت بیمه شده است و پول نیست آن همچو امییتی ندارد که صاحب من يك قیمتی برآورد بگذارند و قیمت او را بدهد

يك دفعه آنستکه آن بكجور مالیت که تقریباً يك من او ۱۰ قران بیشتر قیمت او را بیمه نمی کنند اداره بست می گوید اگر چنانچه همچو انفساق لغتاد و مال او از میان رفته است يك من ۱۵ قران باو می دهند اگر همچو چیز بست که چنانچه مالی می فرمائید اهمیت دارد قیمت می کند و قیمت روی او می گذارد و اداره بست مجبور است که قیمت او را اگر عیب کرد از عهده فرات برآورد .

رئیس - آیا مذاکرات کافی است (گفته شد کافی است)

ماده ۴۳ - علاوه فراتهای مذکور در فصل ۴۱ و ۴۲ اداره بست کرایه را که برای امانات مفقوده دریافت کرده بفرستنده مسترد می دارد در صورت فقدان يك شیشی سفارشی اداره بست ملزم است که بفرستنده امانت یا گیرنده آن فرات ذیل را بپردازد .

اولاً - مبلغ بیست و پنج قران برای مرسولات سفارشی داخله

ثانیاً - فرامتی که در قرار دادهای بین المللی تمییر شده است در صورتی که مرسول سفارشی راجع بمبادله بین المللی باشد .

معاون بست - این مسئله همان ماده است که پیش از وقت مذاکره آن می شد که خواهد آمد امانت سفارشی بیست و پنج قران خسارت آن داده خواهد شد اگر چنانچه مفقود شود .

مشیر حضور - بنده می خواستم عرض کنم بعد از آن لفظ مرسولات يك لفظ پاکتی هم نوشته میشود .

معاون - شیشی نوشته شده است که هم شامل مرسولات شومهم یا کتبا و امانات .

رئیس - آیا لازم نداشت باشد اصلاحی زیرا توضیح داده شده است .

ماده ۴۴ - در موافق ذیل اداره بست مسئولیت های مذکور در نصول ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ را بعهده نمی گیرد اولاً اینکه اشیاء مرسوله در یکی از ممالک خارجه مفقود شود در چنین موقعی اداره حتی الامکان تا زمانی که کار برافه نکند اقدامات لازمه را برای اخذ فرات معین از اداره مسئول خارجه و استرداد آن بفرستنده می نماید ثانیاً در صورتیکه معلوم شود که امانت بیمه شده حاوی اشیاء قیمتی نبود یا قیمت آن از روی تلف بیش از قیمت حقیقی اظهار شده است ثانیاً در صورتی که اداره بست حمل اشیائی را بدهد بگیرد موافق مسطورات فصل ۷ مجبور بقبول آن نباشد در این صورت خود را مخصوصاً از مسئولیت خارج نماید را بجا در صورتی که علت فقدان یا تضییع مرسولات وقایع جنگی و شورش داخلی مملکت و یا انفلاسی باشد که رفع آن از عهده حکومت محلی خارج است خاصاً در صورت حریق دستگاه حادساً - در صورتی که مورت فقدان یا تضییع مرسولات یکی از حوادث آسانی باشد که رفع آن ممکن نیست سلباً - در صورتی که علت فقدان یا تضییع مرسولات معتورات آنها و یا خورد آنها و یا غفلت فرستنده باشد

تایید - در صورتی که در موقع تحویل دادن مرسوله بگیریته آثار دست خوردگی از لاف خارجی آن دیده شود وزن آنها با وزن زمان تحویل موافقت ننماید و نیز بجهت عاید نشدن منافع منظور اداره است مسئولیتی بعهده نخواهد گرفت.

اصلاح کمیسیون - جمله تا زمانی که کار برافه نکند تبدیل باین شده بدون این که کار برافه بکشد و در جمله آخر بعد از کلمه منافع منظوره افزوده است و خسارت های غیر مستقیم بصاحبان امانت.

حاج آقا - دو جمله در این ماده است که

من تصور می کنم که تمام اعتبار بیه را از بیستی برد و هیچ اطمینانی دیگر بیهی شدن نمی ماند بکسی این که این جمله که نوشته شده در صورتی که اشیاء قیمتی بیهی بوده باشد یا قیمت آن از روی تقلب بیش از قیمت حقیقی اظهار شده این یک چیزی است که همیشه اسباب تشاجر بین اداره است و آن بیهی کننده را معذور می شود اداره است بایه دهنده هر کس باشد بعد از این که یک چیزی را داد و یک قیمتی روی آن گذارد پول بیهی اش را هم داد باید بهمان اندازه که با اظهار شده ملتزم باشد و اگر بتواند قبل از مفقود شدن تحقیق کند این قیمتی را که این گفته دارا است یا نیست والا آن کسی که یک چیزی بیهی می دهد نمی داند که مفقود خواهد شد این بسته با اتفاقات و تقدیرات است و این ماده را که ما این جا نوشتیم همیشه بین اداره است و آن کسی که چیزی را داده و قیمت کرده بیهی نموده در صورتی که قیمت برافه خواهد بود وقتی که مفقود شد و آن اطمینانی که به بیهی داده میشود از بین خواهد رفت و دیگر این که می گوید مطابق ماده ۷ مجبور بقبول آن باشد این را هم بنده تصور می کنم که وظیفه خود اداره است است یک چیزی که قبول می کند بیهی کردن او را باید این را از او بدانند که این یک چیز مفیع است یا نیست یا این که غفلت در بستن و درست کردنش شده بود باید از عهده بر آید اینها یک چیزی است که همیشه اسباب تشاجر بین اداره است و بیهی دهنده می شود و اعتبار بیهی را ساقط می کند.

معاون پست - بله در این مسئله اولی که

فرمودند گمان می کنم این قسم نباشد همینطور که تصور می نماید که اسباب زحمت و گفتگو میشود باید تمام آن قسمت را ملتزم شود. بنده عرض می کنم ممکن است که این امانت بعد از آنی که مفقود شد اداره است بتواند با دلایل و براین ثابت بکند که قیمت او کمتر از آن است که گفته است و این که می فرمائید که همیشه مشاجره بین فرستنده و اداره است این طرد نیست بجهت این که اداره است یک قانونی از برای خودش دارد که در مدت شش ماه مجبور است که خود بیهی ادا کند در اینصورت مجبور است که در آن ماه تلاش و تفتیش خودش را بکند این ماده این مطلب را می یوراند اگر توانست در آن مدت ماه هر که این بیهی را کرده

است معین کند که این پول بیهی شده قیمت آنچه را نخواهد داشت که صاحب آن شیئی قید کرده است البته آن دلایل خودش را بیان میکند و مدلل میکند و اگر چنانچه نتوانست در مورد معلوم است که باید تمام و کمال وجه امانت را بپردازد.

لواء الدوله - عرض میکنم اینجا می نویسند

در صورتیکه اداره است موافق فصل مجبور بقبول آن اشیاء نباشد باید فصل ۷ را عمل امرات بکنند در پستخانه چیزی که مغالط است قبول نکنند.

معاون پست - چنانچه ملاحظه فرمودید غرامتی

را که دولت بدهد فقط راجع باشیاء بیهی شده نیست اشیاء دیگری هست که آنها هم که از بیستی برود غرامت آنها را هم خواهد داد در آنجا یک ماده می نویسند که فلان جور اشیا را نمیتواند حمل کنند برای اینکه ضایع میشود آن شخص میگوید من غرامت از شما نمیخواهم و لکن این را حمل میکنید اگر عیب کرد بعهده اداره است چیزی نیست در این صورت اداره است پس هم همین طور عمل می کنند و نمی شود مردم را مجبور کرد باین که اشیاء خودشان را حمل نکنند.

حاجی شیخ رئیس - اگر چه یک قیمتی

از منظورات خاطر بنده را آقای حاجی آقا اظهار کردند ولی برای مزید توضیح لازم شد عرض کنم در این ماده نوشته اند در صورتی که معلوم شود که آن امانات مرسوله چون مرسوله غلط است نام می خورم و المراسلات در آن چیز هائی که فرستاده شده است حاوی اشیاء قیمتی نبوده است در این صورت اداره است از مسئولیت بیرون است بنده عرض می کنم و حالا داخل در صحت و فساد دیوانی نیستن مطابق آن ترتیبی که در تمام مالک معمول است و اداره بیهی حتی این اداره بیهی تجاوز کرده است در عمر هسای آدم هم بیهی شده است بآن ترتیبات مقرر ملامت می گوید من بیست سال دیگر عمر تو را بیهی می کنم و در این افسار و شهرهائی که بنده گردیده ام خیلی دیده ام شاید یک چیزی که فرستاده می شود دوهزار تومان قیمتش است یک مصالحتی آن شخصی که امانت را می دهد صد تومان بیهی می کند یک وقت هم یک چیزی را که میفرستند صد تومان قیمت دارد ده هزار تومان یک نظری قیمت می کند و در زمان قیمت و تحویل گرفتن هیچ حق ندارد آن بیهی کننده که بدانند این بسته کرباس است یا دیبا برای آنکه او برای هر تومانی حقی می گیرد او مستحق همان اجرت است بهمان قانونی که خودش وضع کرده است می گوید یک بسته دو هزار تومان یا دوهزار تومان قیمت او است من ملتزم هستم که اگر بفرق یا صاعقه و برق تلف شود از عهده بر آید پس بنا بر این بنده عرض می کنم که اگر بنده یا دیگری یک امانتی آورد برای دیگری یعنی ارسال یک شهری کند اگر گفت که این را بیهی می کنم و قیمت بسته من هزار تومان است نه در اول نهد در آخر اداره است حق تفتیش و تفحص ندارد مگر از ممنوعات باشد یا ملاحظاتی که در ماده ۷ شده است و این را حالا عرض می کنم که ضمانت بلامرجب

است و بآن تصویرات دیگر او کار ندارد بآن قانون که مجری و معمول است باید بنده معنوی اشیاء قیمتی نبوده است چرا پول را گرفته است.

افتخار الواعظین - آقای حاجی شیخ رئیس

این جا آیا توجهی فرمودند از مقام و مضمون این ماده اگر یک کسی پنجگانه فدک را آورد در اداره است و گفت این پنج طاقه شال کشید برست و چند هم قیمتی است و بیهی کرد و فرستاد از برای یک مجلسی و بعد در بین راه مفقود شد همان مشکلی که آقای مامون وزارت پست فرمودند که اداره است ناشی از وقت دارد باید تحقیق و تفحص کند اگر در بین این شاهان اداره است عین امانت را پیدا کرده است ولی یک قدری دست خورده است بیکدوری آثارش پیدا است که اندازه پستی می تواند ثابت کند که آن فدک است حالاً می رود به طلب قیمت پنجگانه شال کشمیری می کند میگوید جواب او که این امانتی را که در فلان تاریخ با آن علامت و نمره معین بمن داده اید این فدک است و شما آنروز که بیهی کردید و تومانی یک کرباسی بایشتر و کمتر بمن دادید گفتید که شال است و من الان می بینم امانت شما را که شال نبوده است و فدک است و ثابت هم میکنند حالا چون اداره است بیهی کرده است و تومانی یک کرباسی حق بیهی کرده است و شش و هفتاد و قیمت شال را بنده این میگویم که آن چیزی را که شما فرستاده اید و بیهی کرده اید قیمتش آن اندازه که گفته اید نبوده است در اینجا نباید که آن قیمتی را که او اظهار داشته است بنده اگر که نتوانست ثابت کند و معلوم نماید پس از ششماه می رود تمام قیمتش را می گیرد.

رئوس - مذاکرات کافی نیست با اختلاف

اظهار شد رای میگیریم آیا مذاکرات کافیست یا کافی نیست - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند در شد.

حاجی آقا - اگر آقایان درست توجه کنند

و فلسفه بیهی را تفکر میکنند می بینند که این ماده بکلی حقیقت بیهی را و آن اطمینانی که باید به بسیمه داشت از میان می رود داعی ندارد که اگر یک کسی یک چیزی را داد بمقصود رسید رسید و اگر رسید رسید بعلاوه برای حق بیهی یک پولی هم مطابق قیمتش گرفته باشد آنوقت نباید همیشه در مواقع اجمال یک پولی بدهد - بیهی را برای همین در مام چیزها جاری کردند که انسان خسرات احتمالی را یک چیزی در مقابلش می دهد و اگر اتفاقاً یک خطراتی باو پیش بیاید یک چیزی دستش آمده باشد و آنکس هم که بیهی می کند و قبول این را میکند موافق تجربه و برهان علمی همیشه منفعت می برد و هیچ وقت ضرر نمی کند حتی منفعت کلی می برد و همین بیهی عمر دراک آقای شیخ فرمودند سالی یک مقدار می دهد بعد اگر اتفاقاً مرد شاید در سال دو نفر از آن بیهی شدگان بپزند آن قیمتی را که معین کرده است یعنی آن وجهی را که ملتزم شده است بورتی او می دهند ولی در مقابل این صد هزار هابول داده اند و در آن وقت و آن پول منفعت او است و هیچ ضرری باو

وارد نیامده پس این فلسفه بیهی را در نظر بگیرید و وارد شوید در این ماده بیهی کننده و بیهی دهنده و این دو جمله اگر در این ماده باشد بکلی اعتبار بیهی از بین می رود و هم از نقطه نظر اقتصاد ضرر بدولت وارد می شود و منفعتی بدست او نمی آید و هم اگر بیک وقتی اتفاق افتاد یک چیزی را یک کسی بیهی کرد مشاجراتی بین مردم و ادارات دولتی خواهد شد و این چیزیکه آقای افتخار الواعظین فرمودند بنده تصور کردم بعد از آن بیاناتی که آقای حاج شیخ رئیس فرمودند دیگر توضیح لازم ندارد و اما اینکه آقای افتخار الواعظین فرمودند که اگر عین آن پیدا شد این مهر از آن چیزی است که ایشان فرمودند مهلاً اگر آن بیهی پیدا شد که بفرمایش جنابالی پنجگانه فدک یا کرباس و میتوان اینک که این هزار تومان قیمتش هست داد بداره بیهی یا بستخانه فرق نمی کند هر اداره که داد و این از بین رفت و آن حق بیهی را هم داده است پس از مفقود شدن بیهی تفحص میکنند و پیدا میشود همان ترتیبی که بسته شده است بهمان نشان بهمان علامت بعد از آنی که گوته اش شکافته شد و معلوم شد که کرباس است آن چیزی نیست که قیمت بخواهد آن عین مال است بدست او داده است اگر عین مال بدست آید به ترتیب و نشانی که بسته شده که هیچ نمیتواند انکار کند عین مال را تسلیم می کند میفرماید شال باشد میفرماید کرباس و اگر بدست نیامد که باید قیمت بدهد هیچ حق ندارد اداره بیهی بایست بگوید من تحقیق کردم و کشف کردم این کرباس بوده است و شال نبوده است چه بسا اشخاصی که یک چیزی را بیهی می کنند و اسباب فراهم میآورند که اینرا در دریا غرق کنند برای منفعت و قیمتش را هم زراف فرار میدهند معذرا اداره بیهی هیچ حق ندارد گفتگو بکند بعد از اینکه نرساند باید آن قیمت را تسلیم بکند اگر میخواهند یک اداره بیهی داشته باشند بنده هم در اینخصوص یک پیشنهاد کرده ام که این دو جمله بکلی حذف شود و از نقطه نظر شرعی هم عرض میکنم که این علاوه بر اینکه امانت نیست و اگر امانت باشد امانت مفقود است که خودش ملتزم شده که این مقدار پول بگیرد و برساند باید از عهده بر آید از نقطه نظر شرعی هم عیب ندارد.

معاون پست - خوب است اینجا یک توضیحی

اول بدهم که این ماده برای چه در این قانون نوشته شده این ماده از برای این مملکت نوشته شده چون در این اوقات باین معذور بر خودیم برای اینکه راهها اعتشاش داشت اماناتی که میفرستادید تلف میشد مخصوصاً یک امانتی فرستاده شد که بسته عبائی بود آن عبارات قیمت کرده بودند سی و پنج تومان برای خودشان از بین رفته بود و تفتیش که آمد بداره پست غرامت او را بگیرد و ما پول نداشتیم باو بدهیم یک مدتی طول کشید یک روزی یک پاکتی از جناب خودشان در آورده بودند که خود آن پاکت همان امانت را معین کرده بود که چند بوده است و چون راهها را مفقوش دیده بودند قیمت آنرا بکشد و پنججاه تومان نوشته بودند که اگر تلف شود مطالبه کنند آن

حاج وکیل الرعایا - بنده خیلی مختصر

عرض میکنم چون آقای حاج شیخ رئیس و حاجی آقا بیانات مفصلي در اینخصوص عرض کردند نمی گویم موقع این مملکت بجائی رسیده است که همه کارها را بتوانند بیهی کند لکن در وقتیکه کردند شرایط بیهی یک شرایطی لایتنبری است پول بگیرند و یک چیزی را بیهی میکنند هر وقت مفقود شد باید قیمت آنرا بدهند وقت صرفه خودشان را به بیهی اگر صرفه ندارد نکنند.

منتقصر السلطان - اینجا که ذکر شده است

برای بیهی دوسورتی که معلوم شود که امانت بیهی شده حاوی اشیاء قیمتی نبوده باشد باینکه آن از روی تقلب بیش از قیمت حقیقی اظهار شده است از روی آن نظری که حاجی و کبای الرعایا فرمودند صحیح است ولی امروز وقتی که ما در بستخانه امانات را قبول میکنیم معلوم است که امانات را باین ترتیب نمی آورند که سر باز بدهند سر بسته می آورند و میدهند یک قیمتی هم روی آن میگذارند همانطور که آقای معاون اظهار داشت صد تومان را سیصد و پنججاه تومان قیمت میکنند اینهم صورت شرعی ندارد که بگویند ما حبله شرعی کردیم که سیصد و پنججاه تومان قیمت روی آن گذاشته ایم و باید دولت امروزه از عهده آن بر آید هیچ مربوط بحبله شرعی نیست این یک حبله دزدی است که این شخص کرده است و خواسته است باین ترتیب کلاه دولت را ببرد و سیصد و پنججاه تومان بگیرد در مقابل صد تومان قیمت و باین ترتیب امروزه دولت مجبور است چندین ماده بگذارد و همین طور مجبور میشویم در ماده ۳۶ راجع باجرت امانات ذکر شده است بنویسیم که امانات را مجبورند ثبت اداره بکنند که ارائه شده و معین بستخانه قیمت بکنند والا دولت دوچار خیلی خسارات می شود و در سالی مبالغ کلی خسارت خواهد دید.

لواء الدوله - قانون باید زبان داشته باشد

(۲) قانون زبان بسته بدرد نمیخورد بنده میگویم این بسته امانت پنج هزار تومان قیمتش است اداره است که مجبور نیست وقتی که میفرماید قبول کند اینجا من راست می گویم یادروغ می گویم باور ربط ندارد اگر تصدیق ندارد که قیمت او پنج هزار تومان نیست بگوید باید باز کنید امانت را ارائه بدهید که بدانیم این قیمت پنج هزار تومان را دارد یا خیر وقتی که اداره دولت رسبست و از طرف دولت آنجا نشسته است بنده که زور ندارم میروم آنجا میگویم

تصوراتیکه میفرمائید در مالک خارج اینطور است بنده هم تصدیق میکنم اما از این نظر هم باید تصدیق کرد که ما این قانون را برای این مملکت بنویسیم که اگر بیبوت رسید و مطلب واضح شد و همین یک کلمه بیبوت را باو بچسبانیم که اگر اداره پست یک سندی از طرف مقابل بدست آورده تا آن مدتی که میفرماید غرامت را بنده شاید همین شد این امانت یا نقد تومان نبوده است دوپست تومان بوده است چگونه اداره پست می تواند باین راههائی که داریم در عرض سال مبالغی خسارت و غرامت امانات بدهد آنهم امانتی که قیمتش معلوم نیست.

حاج وکیل الرعایا - بنده خیلی مختصر

عرض میکنم چون آقای حاج شیخ رئیس و حاجی آقا بیانات مفصلي در اینخصوص عرض کردند نمی گویم موقع این مملکت بجائی رسیده است که همه کارها را بتوانند بیهی کند لکن در وقتیکه کردند شرایط بیهی یک شرایطی لایتنبری است پول بگیرند و یک چیزی را بیهی میکنند هر وقت مفقود شد باید قیمت آنرا بدهند وقت صرفه خودشان را به بیهی اگر صرفه ندارد نکنند.

منتقصر السلطان - اینجا که ذکر شده است

برای بیهی دوسورتی که معلوم شود که امانت بیهی شده حاوی اشیاء قیمتی نبوده باشد باینکه آن از روی تقلب بیش از قیمت حقیقی اظهار شده است از روی آن نظری که حاجی و کبای الرعایا فرمودند صحیح است ولی امروز وقتی که ما در بستخانه امانات را قبول میکنیم معلوم است که امانات را باین ترتیب نمی آورند که سر باز بدهند سر بسته می آورند و میدهند یک قیمتی هم روی آن میگذارند همانطور که آقای معاون اظهار داشت صد تومان را سیصد و پنججاه تومان قیمت میکنند اینهم صورت شرعی ندارد که بگویند ما حبله شرعی کردیم که سیصد و پنججاه تومان قیمت روی آن گذاشته ایم و باید دولت امروزه از عهده آن بر آید هیچ مربوط بحبله شرعی نیست این یک حبله دزدی است که این شخص کرده است و خواسته است باین ترتیب کلاه دولت را ببرد و سیصد و پنججاه تومان بگیرد در مقابل صد تومان قیمت و باین ترتیب امروزه دولت مجبور است چندین ماده بگذارد و همین طور مجبور میشویم در ماده ۳۶ راجع باجرت امانات ذکر شده است بنویسیم که امانات را مجبورند ثبت اداره بکنند که ارائه شده و معین بستخانه قیمت بکنند والا دولت دوچار خیلی خسارات می شود و در سالی مبالغ کلی خسارت خواهد دید.

لواء الدوله - قانون باید زبان داشته باشد

(۲) قانون زبان بسته بدرد نمیخورد بنده میگویم این بسته امانت پنج هزار تومان قیمتش است اداره است که مجبور نیست وقتی که میفرماید قبول کند اینجا من راست می گویم یادروغ می گویم باور ربط ندارد اگر تصدیق ندارد که قیمت او پنج هزار تومان نیست بگوید باید باز کنید امانت را ارائه بدهید که بدانیم این قیمت پنج هزار تومان را دارد یا خیر وقتی که اداره دولت رسبست و از طرف دولت آنجا نشسته است بنده که زور ندارم میروم آنجا میگویم

آنها قبول میکنند پس باید پنج هزار تومان بدهد قانون را که شما وضع می کنید باید روشن باشد دولت قانون وضع میکند برای ملت این اشخاصی که میبایند امانت بآنجا می دهند نمی گویند که شما باید مخصوصاً بقبول قانون وضع کنید و امانت را بگیرد که دوچار بعضی مشکلات شوید بنده قید ام آست که اینجا نوشته شود آن شخصی که در اداره پست امانات را قبول می کند اول او را ببیند و بعد قبول بکند بهتر است.

دکتر اسمعیل خان - در دو جمله این ماده

که ثابتاً و سابقاً باشد تقریباً می توانم بگویم این ایرادات صحیح است مخصوصاً جمله اولی اینک که دولت مجبور است که این ترتیب را بگذارد خیر نگذارد تا اکنون در ماده اول چندین موضوعی نداشته بنده چندین صحیح نمی دانم تقاضا میکنم نظر باینکه مسئله بیهی یک مسئله اساسی مهمی است و اعتبار دولت را نشان میدهد نوشته شود هر جا را می تواند قبول کند و هر جا را نمی تواند قبول نکند پس از آنکه موانع رفع شد آنوقت قبول بکنند این هیچ ربطی با تشاش مملکتی ندارد هر جا را بخواهد قبول بکنند مثلاً از طهران تا قزوین یا از قزوین تا رشت دولت مجبور نیست اینجا این ماده را بگذارد برای حالا هر وقت مقتضی دید قبول کند در جمله اول بنده تقاضا می کنم که رجوع شود بکمیسیون که بامدی کل اداره پست ملما کره شود که بچند آن یک نظر باین تازه داشته باشد ولی در آن فقره سابقاً که آقای حاجی شیخ رئیس و حاجی آقا فرمودند بنده آنجا را رد میکنم و میگویم چرا برای آنکه میگوید سابقاً در صورتی که علت فقدان یا تضییع مرسولات محتویات آنها و یا خود آنها و یا غفلت فرستنده باشد این مسئله در هر دو جملات موجود است و حالا عرض میکنم یک امانتی از اینجاست برای شریاز فرستاده شد فرض بفرمائید که در محتویات آن یک مواد درائی آنجا هست آنرا تلف کرده اند بین یک طاقه شال یا یک پارچه قیمتی گذارده اند فرضاً شیشه است و شکستی است مثل می زخم که یک قدری واضحتر باشد فرض بفرمائید تعقیب پیدا گذاشتند و در اطرافش هم بعضی چیزهای قیمتی از نیل شال و چیز های دیگر که اداره پست می تواند قبول بکند و درش را هم با چوببند محکم بسته اند و توی چه خوبی هم گذارده اند بداره بستخانه دادماند این وارد شریاز شد این چه وضعی پیدا میکند در راه معلوم میشود بعد از چند روز تعقیب به چوب بند را می دانند می خورد ولی آن فرستنده بچاره هیچ خبری نداشته است که چوببند را می خورد آنوقت ممکن است اماناتی که در اطراف او است از قبیل شال یا پارچه ابریشی آنها را ضایع میکند در آنجا که صاحب امانت باز کرد گفت که اداره پست امانت مرا ضایع کرده است اداره پست هم میگوید چون آن شیشه درائی که شما جوف بسته امانت خودتان گذارده اید باعث تضییع امانت شما شده است پول بیهی را هیچ نمیدهم حق دارد و این ایراد در این موضوع هیچ وارد نیست.